

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصَّلَاة و السَّلَام على سيدنا محمد و آله الطَّاهرين و صحبه الممتجبين
و من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی

از میان همه‌ی ملّتهای زیر ستم، کمتر ملّتی به انقلاب همّت می‌گمارد؛ و در میان ملّتهایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند.¹ درودی از اعماق دل بر این ملّت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانیِ چهل سال دوم میشود.

پیروزی انقلاب اسلامی؛ آغازگر عصر جدید عالم

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادّی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجلِ محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون

¹ برای مطالعه بیشتر درباره مقایسه انقلاب اسلامی ایران و انقلاب کشورهای فرانسه، روسیه و الجزایر به پیوست شماره 1 مراجعه نمایید.

دشمنی نابود شده^۲ و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم میکند!^۳ و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود.

شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه‌زنده‌ی انقلاب اسلامی

برای همه‌چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.

دفاع ابدی از نظریه‌ی نظام انقلابی

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بالاراده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست^۴. به نقدها حساسیت مثبت نشان

^۲ اشاره به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی؛

پس از کودتای اوت 1991، میخائیل گورباچف، رهبر اتحاد جماهیر شوروی از سمت خود کناره‌گیری کرد و اتحاد شوروی بطور رسمی در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ از هم پاشیده شد. یک روز پس از آن، پارلمان اتحاد جماهیر شوروی اعلامیه انحلال این کشور را تصویب کرد.

^۳ برای مشاهده بخشهایی از و معضلات سیاسی، اقتصادی اجتماعی ایالات متحده آمریکا و نظرات اندیشمندان جهان پیرامون افول قدرت آمریکا به پیوست شماره 2 مراجعه فرمایید.

^۴ نمونه ای از خطاهای تاریخ 40 ساله انقلاب اسلامی در کلام رهبری:

"بعضی از مسئولین ما در گوشه‌وکنار کشور به نسخه‌ی بیگانگان اعتماد بیشتری دارند تا به نسخه‌ی داخلی! و این هم خطای بزرگی است. شما ملاحظه کنید همین سیاست جمعیتی غربی‌ها که «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، سیاست اروپایی است، سیاست غربی است؛ خودشان هم عمل کردند و امروز دچار مشکلند؛ دارند جایزه می‌دهند که خانواده‌ها فرزنددار بشوند؛ میخواهند جبران کنند عقب‌ماندگی راه، فایده هم ندارد. این سیاست راه، نسخه‌ی غربی را [بعضی‌ها] قبول کردند. ما چند سال قبل اصرار کردیم، گفتیم -در سخنرانی، در جلسات خصوصی با مسئولین -که موانع تولید نسل را بردارید؛ مسئولین هم قبول کردند، تصدیق کردند حرف ما را، منتها در مدیریتهای میانی متأسفانه موانعی وجود دارد؛ آن‌چنان که باید و شاید به این نسخه‌ی اسلامی که «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكثُرُوا فَإِنِّي أَبْهَى بِكُمْ الْاُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۵) عمل نمیکنند، [اما] به نسخه‌ی غربی عمل میکنند! این یکی از موانع پیشرفت ما است". 97/1/1

میدهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفه‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند.^۵

جمهوری اسلامی و فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتها

جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند^۶ و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمیکند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتها، همواره وجدانهای آرمان‌خواه را عذاب داده و میدهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی

^۵ "در مجموعه‌ی انقلاب، از اول انقلاب یک تفکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب، تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان‌سالاری و مانند اینها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا میکنند به تنش و دعوا و سروصدا و کارهای غیر قانونی و از این حرفها. یک چنین تفکری مال امروز نیست و از روز اول پیروزی انقلاب یک چنین تفکری وجود داشت؛ این تفکر، غلط است. انقلاب مراحل دارد؛ آنچه در اول انقلاب در سال ۵۷ اتفاق افتاد، مرحله‌ی اول انقلاب بود یعنی انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمانها و ارزشهای نو و با لغت نو، با تعبیر نو، با مفاهیم نو؛ این مرحله‌ی اول انقلاب بود. بعد در مرحله‌ی دوم، این نظام بایستی ارزشها را محقق کند؛... انقلاب تمام نمیشود، انقلاب استمرار دارد، انقلاب ادامه دارد، انقلاب متوقف نمیشود. یک صیرورتی وجود دارد؛ صیورت یعنی شدن، شدن دائم، تحول دائمی؛ در مسیر انقلاب یک صیورت دائمی‌ای وجود دارد که این صیورت دائمی، بتدریج آن آرزوهای بزرگ را، آن ارزشهای والا را، آن آرمانها را در جامعه تحقق میبخشد." ۰۷/۰۳/۱۳۹۷

^۶ "تحول در جوامع انسانی و برای بشر، سنت لایتغیر الهی است. هیچ کس نمی‌تواند در مقابل تحول بشری بایستد؛ امکان ندارد. دیر یا زود، یکی پس از دیگری، تحولات بشری اتفاق می‌افتند. این راز ماندگاری و راز تعالی بشر است. اصلاً خدا بشر را این طور قرار داده است که ایستایی در طبیعت انسان نیست... در بشریت تحول حتمی است. با تحول نیابستی مقابله کرد؛ تحول را نباید انکار کرد. و باید به سوی تحول - به همان معنایی که عرض خواهم کرد - به شکل درست حرکت کرد.

در مقابل تحول چه هست؟ رکود. نقطه‌ی مقابل تحول، رکود است. بعضی اینها را غلط می‌فهمند و اشتباه معنا می‌کنند. بعضی رکود را با ثبات اجتماعی اشتباه می‌کنند. رکود، بد است؛ ثبات اجتماعی خوب است. بعضی خیال می‌کنند که رکود یعنی ثبات اجتماعی. تحول را هم بعضی با آنارشیزم و هرج و مرج و هر چی به هر چی بودن، اشتباه می‌کنند. این اشتباهات موجب شده است که یک عده‌ای که طرفدار ثبات اجتماعی اند، با هر تحولی مخالفت کنند؛ به خیال اینکه این تحول، ثبات را به هم می‌زند. از طرف دیگر، کسانی که خیال می‌کنند هر تحولی به معنای ساختار شکنی و شالوده شکنی و زیر سؤال بردن همه‌ی اصالتهاست، اینها هم برای اینکه تحول ایجاد کنند، ثبات اجتماعی را از بین می‌برند و دچار خطر می‌کنند. این دو اشتباه، از دو طرف وجود دارد. تحول، یک چیز است، آنارشیزم، یک چیز دیگر؛ و هرج و مرج هم یک چیز دیگر است. همچنان که ثبات اجتماعی یک چیز است و رکود اجتماعی و ایستایی اجتماعی هم یک چیز دیگر است؛ اینها را نباید با هم اشتباه کرد. آنچه خوب و درست است، جامعه‌ی با ثبات، اما غیر راکد و دارای تحول است؛ جامعه‌ی که حتی تحولات صحیح را سریع در خودش به وجود بیاورد." 85/8/18

شده است و بی شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

انقلاب اسلامی؛ مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است^۷، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اوّل را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامن‌های عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.

برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلیم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل میگذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اوّل درباره‌ی گذشته است.

^۷ در انقلاب فرانسه قدرت چند بار دست به دست شد و میزان قتل و اعدام آنقدر زیاد بود که آن بازه زمانی به دوران ترور و خشونت معروف شد. در این انقلاب آمار کشته شدگان بیشتر از سی هزار نفر بیان شده است.

در انقلاب چین، مائو در سال ۱۹۵۶ برای نشان دادن نقد پذیری خود، جنبش "صد گل بشکفت صد مکتب بروید" را راه اندازی کرد و در خواست کرد تا مردم نقدهای خود را بیان کنند. بعد از این ماجرا با شناسایی مخالفینش شروع به حذف افراد و گروه‌های مخالف خود نمود که منجر به کشتن بیش از ده هزار نفر گردید. در انقلاب اکتبر روسیه استالین در دوران ریاستش در دهه ۱۹۳۰ دست به تصفیه زد و مخالفین حزبی و شخصی خود را به قتل می رساند به گونه ای که آمار کشته شدگان تا ۸۰۰ هزار نفر بیان شده است.

عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمیتوان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی^۸ (ارواح‌افاده) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛^۹ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال میکنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره میگیرند. رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمیتوان شنید.

آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه‌ی صفر

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛ اولاً؛ همه‌چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی^۹ و فساد^{۱۰} و استبداد^{۱۱} و کودتایی بودن، اولین رژیم

^۸ الامام علی علیه السلام: العاقل من وعظته التجارب

امام علی علیه السلام: عاقل کسی است که از تجربه پند گیرد.

تحف العقول. ص 62.

^۹ وابستگی پهلوی به بیگانگان تا جایی بود که حسین فردوست در بخشی از خاطرات خود با اشاره به ملاقاتش با ترات رئیس اطلاعات انگلیس در ایران و ناراحتی او از اینکه محمدرضا به رادیوهای آلمان گوش می‌کند و از روی نقشه‌های آن‌ها جنگ جهانی دوم را دنبال می‌کند؛ می‌گوید: «پس از بازگشت جریان را به محمدرضا گفتم. او شدیداً جا خورد و پرسید: انگلیسی‌ها از کجا می‌دانند که من به رادیو گوش می‌دهم..... فردا اول وقت با ترات تماس بگیر و بگو محمدرضا نقشه‌ها را پاره کرد و به هیچ رادیویی هم گوش نخواهد کرد مگر رادیوهایی که ترات اجازه دهد.»^۹

^{۱۰} فریدون هویدا، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد در زمان پهلوی، در ارتباط با فساد مالی حاکم در خانواده شاه چنین می‌نویسد:

"فسادی که درون دربار شاه وجود داشت حقیقتاً ابعاد وحشتناک به خود گرفته بود، برادران و خواهران شاه به خاطر واسطه‌گری برای عقد قرارداد بین دولت ایران و شرکت‌هایی که گاه خودشان نیز جزو سهامداران عمده آنها بوده حق العمل‌های کلانی به چنگ می‌آوردند ولی گرفتاری اصلی در این مساله فقط رشوه‌خواری یا دریافت حق کمیسیون توسط خانواده سلطنت نبود، بلکه اقدامات آنها الگویی برای تقلید دیگران می‌شد و به صورت منبعی در آمده بود که جامعه را در هر سطحی به آلودگی می‌کشاند..." فریدون هویدا، سقوط شاه، 1373، اطلاعات، ترجمه ج. مهران، ص 89.

^{۱۱} محمدرضا شاه هنگام معرفی حزب رستاخیز به عنوان تنها حزب در کشور به منتقدین گفت «کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود و مؤمن به این سه اصلی که من گفتم نباشد، دو راه برایش وجود دارد: یا یک فردی است متعلق به یک تشکیلات غیرقانونی، یعنی به اصطلاح خودمان توده‌ای، یعنی باز به اصطلاح خودمان و با قدرت اثبات: بی وطن، او جایش یا در زندان ایران است، یا اگر بخواهد، فردا با کمال میل، بدون اخذ عوارض، گذرنامه در دستش می‌گذاریم و به هر جایی که دلش

سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه -و نه به زور شمشیر خود- بر سر کار آمده بود^{۱۲}، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولتهای غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقبافتادگی شرم‌آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر.

ثانیاً: هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه‌طی‌شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیامهای مارکسیستی و امثال آن نمیتوانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود^{۱۳}. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود.

می‌خواهد، برود، چون ایرانی که نیست» 1353/2/12 روزنامه اطلاعات و در جایی دیگر گفت: «آن‌هایی که به رستاخیز نمی‌پیوندند باید از هواداران حزب توده باشند. این خائنان یا باید به زندان بروند یا اینکه همین فردا کشور را ترک کنند...». کیهان انترناسیونال، ۸ مارس، ۱۹۷۵. این در حالی بود که شاه هنگام دو حزبی شدن کشور در جواب منتقدین گفته بود «اگر من یک دیکتاتور بودم، رهبری یک حزب واحد را به دست می‌گرفتم» که در نهایت همین کار را هم انجام داد. ماموریت برای وطن، پهلوی محمد رضا، 1353، ص 336

12 1- ویلیام اچ. هورنی بروک، وزیر مختار آمریکا در ایران، در سال 1934 صراحتاً در گزارش خود می‌نویسد: «فقط همین حقیقت که شاه کنونی تاج و تخت خود را مدیون بریتانیایی‌ها و اعضای کابینه هم به نوبه خود پُست‌هایشان را مدیون شاه هستند به تنهایی کافیهست که هر ناظر عاقلی را بر آن دارد تا پیش از آنکه باور کند پسر عموهای انگلیسی‌مان نفوذشان را در پایتخت ایران از دست داده‌اند، بایستد و چشم و گوش خود را بیشتر باز کند. از این فرصت استفاده کرده و تقریباً به دقت ارتباط اعضای کابینه با بریتانیایی‌ها را بررسی کرده‌ام. مطمئن هستم که بیشتر از سه چهارم آنها را قطعاً می‌توان حامی بریتانیا دانست، البته نه از روی انتخاب، بلکه از روی ترس. با دقت که امیدوارم ماهرانه هم بوده باشد، زیر زبان تعداد قابل ملاحظه‌ای از مقامات ایرانی را درباره موضوع نفوذ بریتانیا کشیده‌ام. البته به گمانم آنها از بریتانیایی‌ها، بیشتر از هر خارجی دیگری، نفرت دارند، ولی از آنها می‌ترسند، و در نهایت احترام به هرگونه توصیه‌ای که از سفارت بریتانیا صادر شود عمل می‌کنند.

منبع: برگرفته از کتاب از قاجار به پهلوی (اسناد وزارت خارجه آمریکا در سال های 1309-1298) نوشته دکتر محمدقلی مجد (مترجمین: سیدرضا مرزانی، مصطفی امیری) منتشره از سوی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

2- گزارش آسوشیتد پرس از انتشار اسناد محرمانه سازمان سیا مبنی بر دخالت ایالات متحده آمریکا در کودتای 1332 و بازگرداندن شاه به ایران

<https://apnews.com/5111167bcaf84892b01eea93eea4bc01>

13 "در مبارزات اسلامی، در همه حال تبیین- بیان واقعیت و رساندن واقعیت؛ تبلیغ، بلاغ- خیلی اهمیت دارد و این را نباید از دست داد؛ برخلاف تفکر مارکسیستی که آن روز[قبل از انقلاب] رائج بود و اعتقاد به تبیین نداشتند؛ می‌گفتند مبارزه یک سنت است، تحقق خواهد یافت؛ چه شما بخواهید، چه نخواهید؛ چه بگوئید، چه نگوئید. یعنی دیالکتیکی که آن‌ها تفسیر کرده بودند، لازم‌هاش این بود که این مبارزه، احتیاج به تبیین ندارد. در سال ۴۹ یک جوانی از همین کسانی که مشهدی بود، با ما هم آشنا بود، وابسته‌ی به یکی از همین گروهک‌هایی بود که آن روز تازه سر بلند کرده بودند، کمونیست بودند- گروه جنگل و امثال این‌ها- یک جایی با من ملاقات کرد؛ شرح داد که می‌خواهیم این کارها را بکنیم. من گفتم توی این زمینه‌ی اجتماعی که نمی‌شود؛ یک قدری با مردم صحبت کنید، تبیین کنید، حرف بزنید، به مردم تفهیم کنید چه کار می‌خواهید بکنید. با کمال بی‌اعتنائی گفت: آن روش اسلامی است! بله، روش اسلامی همین است. روش اسلامی تبیین است و همین تبیین‌ها موجب شد که انقلاب اسلامی بر بسیاری از این پیش‌زمینه‌های تاریخی و تربیتهای غلط فائق بیاید و فائق آمد "۱۳۸۷/۰۲/۱۴

تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار»؛ پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر

پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد^{۱۴}. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملتهای زیر ستم و جریانهای آزادی‌خواه جهان و برخی دولتهای مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد^{۱۵}. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعونهای در بستر راحت آرمیده^{۱۶} را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمیشد.

مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه‌ی عرصه‌ها

به‌رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گامهای بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده میشود که این مدت، با مدتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب

¹⁴ برای مطالعه بیشتر پیرامون نظریات اندیشمندان جهان درباره انقلاب اسلامی ایران به پیوست شماره 3 مراجعه کنید.

¹⁵ بخشی از اسناد کشف شده در سفارت آمریکا پس از تسخیر لانه جاسوسی در سال 1358:

"این انقلاب و پیش آمد های آن وضعیت ما را نابود کرد و افراد ما را پراکنده ساخت و سازمان و روش های با ثبات ما را به هیچ و پوچ تبدیل کرد." اسناد لانه جاسوسی، جلد 3 ص 94

¹⁶ عربستان + اسرائیل + آل خلیفه ...

فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی^{۱۷} و انقلاب هند^{۱۸} مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت^{۱۹}، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.

* برکات بزرگ انقلاب اسلامی:

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد^{۲۰}؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد:

¹⁷ بررسی انقلاب‌های دنیا در پیوست شماره 1 آمده است.

¹⁸ فرایند انقلاب هند از اواسط قرن 19 آغاز شد و سرانجام در سال 1947م. به استقلال این کشور انجامید. اقتصاد کشور هند پس از استقلال، بدلیل وابستگی های

ساختاری به اقتصاد کشور بریتانیا، دچار چالشهای جدی بود و عملاً رشد اقتصادی کشور هند از سال 1991م. یعنی بیش از 40 سال پس از استقلال، آغاز شد.

¹⁹ "اگر افکار یک ملتی وابستگی به قدرت بزرگی داشته باشد، تمام چیزهای آن ملت، وابستگی پیدا می کند. عمده این است که افکار شما آزاد بشود، افکار شما از وابستگی به قدرتهای بزرگ آزاد بشود. اگر افکار شما آزاد شد و باورتان آمد که ما می توانیم که صنعتکار باشیم، خواهید بود. اگر افکارتان و باورتان این باشد که ما می‌توانیم مستقل باشیم و وابسته به غیر نباشیم، خواهید توانست. اگر کشاورزان ما باورشان این باشد که ما می توانیم در کشاورزی به جایی برسیم که صادر کنیم و وابسته به غیر نباشیم، بلکه دیگران به ما محتاج باشند، می توانند من امیدوارم که از این به بعد کارهای بالاتر از شما انجام بگیرد، به طوری که دست ما به طرف غرب و شرق دراز نباشد و خود ما بتوانیم کارهای خودمان را انجام بدهیم. خود ما بتوانیم که کشور خودمان را به استقلال تام تمام، بدون وابستگی در هیچ امری از امور به غیر، بتوانیم اداره بکنیم. باورمان بیاید که ما هم مثل سایر موجودات عالم می توانیم کارهایی انجام بدهیم.

(صحیفه امام؛ ج 14، ص 306 - 309)

²⁰ حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه بسیار به جوانان اعتماد داشتند. اکثر فرماندهان جنگ جوان بودند. به عنوان نمونه: شهید کاوه؛ فرمانده تیپ ویژه شهدا 21 ساله بود.

حاج یونس زنگی آبادی، فرمانده تیپ امام حسین علیه‌السلام که از سوی حاج قاسم سلیمانی منصوب شد، 21 سال بیشتر نداشت، مهدی زین الدین، در 21 سالگی، مسئول واحد اطلاعات و عملیات سپاه پاسداران در دزفول و سوسنگرد شد و چندی بعد به فرماندهی لشکر علی ابن ابیطالب علیه‌السلام منصوب شد. شهید علیرضا موحد دانش؛ حاج احمد کاظمی؛ حاج حسین علم الهدی؛ محمدابراهیم همت، فرمانده لشکر محمد رسول‌الله؛ حمید باکری، جانشین لشکر ۳۱ عاشورا؛ حسن باقری، قائم‌مقام فرمانده نیروی زمینی سپاه؛ محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران در دوران جنگ تحمیلی؛ مهدی باکری، فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا؛ سید محسن صفوی، فرمانده قرارگاه صراط المستقیم، محمد بروجردی، فرمانده سپاه کردستان و محمد جهان‌آرا، که شکست حصر آبادان مرهون تلاش و مجاهدات او و یارانش بود، و بسیاری از فرماندهان، همگی در ابتدای آغاز جنگ تحمیلی بسیار جوان بودند، و نشان دادند از پس این مسئولیت بسیار مهم بر می آیند.

یک) ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران

اولاً: ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت‌ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد.^{۲۱}

دو) موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی

ثانیاً: موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزبه‌روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت

²¹ "در دوره‌های قبل از جمهوری اسلامی، همیشه ایران تجزیه شد و همیشه از ایران کردند. هیچ کدام از سلاطین پهلوی و قاجار، این افتخار را ندارند که بتوانند بگویند ما مرزهای ایران را حفظ کرده‌ایم" ۱۳/۰۲/۱۳۷۵

سرزمین کنونی ایران، حدود سی درصد از ناحیه‌ای وسیع است که در تاریخ با نام‌های «ایران‌زمین»، «ایران‌بزرگ» یا «ایران‌شهر» و در جغرافیا با نام «فلات ایران» شناخته می‌شود. ترفند ها و دسیسه‌های بیگانگان و سستی و خیانت پادشاهان بی کفایت گذشته، بخش‌های زیادی از این سرزمین کهن را در طول فاصله‌ی حکومت‌های قاجار و پهلوی، از ایران بزرگ جدا نمود که مروری بر چگونگی هر یک از این جدایی‌ها به رغم تلخی بسیار برای ایرانیان، باعث عبرت بسیار آموزنده خواهد بود. گستره سرزمین‌های جدا شده از ایران در قراردادهای ترکمانچای، گلستان، آخال، پاریس و... به قرار زیر است:

سرزمین‌های جدا شده قفقاز بر اساس قرارداد های گلستان و ترکمانچای با روسیه (1813 و 1828 م.)
آران و شروان: ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع؛ ارمنستان: ۲۹۸۰۰ کیلومتر مربع؛ گرجستان: ۶۹۷۰۰ کیلومتر مربع؛ داغستان: ۵۰۳۰۰ کیلومتر مربع؛ اوستیای شمالی: ۸۰۰۰ کیلومتر مربع؛ چچن: ۱۵۷۰۰ کیلومتر مربع؛ اینگوش: ۳۶۰۰ کیلومتر مربع؛ جمع کل: ۲۶۳۷۰۰ کیلومتر مربع

سرزمین‌های جدا شده ایران شرقی براساس پیمان پاریس و پیمان منطقه ای مستشاران انگلیسی

هرات و افغانستان: ۶۲۵۲۲۵ کیلومتر مربع؛ بخش‌هایی از بلوچستان و مکران: ۳۵۰۰۰ کیلومتر مربع؛ جمع کل: ۹۷۵۲۲۵ کیلومتر مربع

سرزمین‌های جدا شده ورارود (ماوراءالنهر) بر اساس پیمان آخال با روسیه (1881 م.)

ترکمنستان: ۴۸۸۱۰۰ کیلومتر مربع؛ ازبکستان: ۴۴۷۱۰۰ کیلومتر مربع؛ تاجیکستان: ۱۴۱۳۰۰ کیلومتر مربع؛ بخش‌های ضمیمه شده به قزاقستان: ۱۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع؛ بخش‌های ضمیمه شده به قرقیزستان: ۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع؛ جمع کل: ۱۲۲۶۵۰۰ کیلومتر مربع

سرزمین‌های جدا شده جنوب خلیج فارس بر اساس پیمان منطقه ای مستشاران انگلیس

امارات: ۸۳۶۰۰ کیلومتر مربع؛ بحرین: ۶۹۴ کیلومتر مربع؛ قطر: ۱۱۴۹۳ کیلومتر مربع؛ عمان: ۳۰۹۵۰۰ کیلومتر مربع؛ جمع کل: ۴۰۵۲۸۷ کیلومتر مربع

مساحت سرزمین‌های جدا شده از ایران درونی به همراه دو سوم کردستان (که در دوره صفویه به اشغال عثمانی در آمد و بعد ها در بین سه کشور ترکیه، عراق و سوریه تقسیم شد) به مساحت تقریبی ۲۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع . و نیز عراق به مساحت ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع . در جمع بیش از ۳.۵ میلیون کیلومتر مربع بالغ می شود که این مقدار تجزیه یک کشور در کل تاریخ ایران و دنیا بی سابقه است.

دانش بنیان^{۲۲}، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی^{۲۳}، فناوری نانو^{۲۴}، زیست‌فناوری^{۲۵} و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت موتناژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی^{۲۶}، درخشش در

^{۲۲} 4149 شرکت دانش بنیان در کشور حضور فعال دارند. <http://pub.daneshbonyan.ir>

^{۲۳} رتبه دوم جهان در تحقیقات سلول‌های بنیادی

<https://www.worldatlas.com/articles/countries-where-stem-cell-research-is-most-popular.html>

^{۲۴} رتبه چهارم جهان در تولید مقالات علمی ISI حوزه نانو

<https://statnano.com/report/r64>

^{۲۵} رتبه اول تولید علم منطقه در حوزه زیست فناوری

<https://www.scimagojr.com/countryrank.php?category=1305®ion=Middle%20East&year=2017>

رتبه سیزدهم تولید علم جهان در حوزه زیست فناوری

<https://www.scimagojr.com/countryrank.php?category=1305&year=2017>

^{۲۶} رتبه اول تولید علم منطقه در حوزه مهندسی

<https://www.scimagojr.com/countryrank.php?area=2200&year=2017®ion=Middle%20East>

رتبه دوازدهم تولید علم جهان در حوزه مهندسی

<https://www.scimagojr.com/countryrank.php?area=2200>

رتبه اول تولید علم منطقه در حوزه مهندسی هوافضا

<https://www.scimagojr.com/countryrank.php?year=2017®ion=Middle%20East&category=2202>

رتبه یازدهم تولید علم جهان در حوزه مهندسی هوافضا

<https://www.scimagojr.com/countryrank.php?category=2202&year=2017>

رشته‌های مهم و حسّاس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن^{۲۷} و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت^{۲۸}.

سه) به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی

ثالثاً: مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات^{۲۹}، مقابله با فتنه‌های داخلی^{۳۰}، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی^{۳۱} به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیتهای نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر

^{۲۷} رتبه دوم تولید علم منطقه در حوزه پزشکی

<https://www.scimagojr.com/countryrank.php?area=2700&year=2017®ion=Middle%20East>

رتبه هفدهم تولید علم جهان در حوزه پزشکی

<https://www.scimagojr.com/countryrank.php?area=2700&year=2017>

رتبه اول تولید علم منطقه در حوزه علم اعصاب

<https://www.scimagojr.com/countryrank.php?area=2800&year=2017®ion=Middle%20East>

رتبه نوزدهم تولید علم جهان در حوزه علم اعصاب

<https://www.scimagojr.com/countryrank.php?area=2800&year=2017>

^{۲۸} «این «اف - ۱۴» ما، روزی که به این کشور آمد، از هواپیماهای بسیار مدرن دنیا بود، اما آیا این برای یک کشور کافی بود؟ آیا برای یک ملت کافی است؟ مشکل ما، نداشتن علم بود، نداشتن توانایی بود، رشد نکردن، نیروی علمی و استعداد ذاتی این کشور و این ملت بود. آری، اشکال این بود. لذا وقتی آن را از ما می‌گرفتند، کاملاً تهیدست می‌شدیم. از این رو، وقتی ابزار یدکی آن را به ما نفروختند، هواپیما روی زمین ماند.» دیدار مسئولان پروژه نیروی هوایی سپاه، ۱۳۸۰/۴/۱۸.

^{۲۹} در دوران پهلوی مردم فقط در انتخابات مجلس شورای اسلامی نقش داشتند اگر چه انتخابات محدود انجمن شهر و نمایندگان سنا نیز برگزار می‌شد، که تماماً با دخالت دربار و ساواک صورت می‌گرفت. اما در دوران پس از انقلاب اسلامی تنوع انتخابات بسیار بیشتر از دوران پهلوی است مردم به هشت صورت مختلف مشارکت سیاسی دارند: همه‌پرسی تأسیس جمهوری اسلامی، همه‌پرسی قانون اساسی، همه‌پرسی تقنینی «اصل ۵۹ قانون اساسی»، مجلس خبرگان قانون اساسی، مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شورای اسلامی شهر و روستا.

^{۳۰} به عنوان نمونه فتنه‌هایی مانند: فتنه سال ۶۰ و ۶۱ مجاهدین خلق و نیز فتنه ۷۸ و ۸۸ که با حضور به موقع مردم خنثی شد.

^{۳۱} مانند راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن، روز قدس و ۱۳ آبان.

داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند.

چهار) ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم

رابعاً: بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله‌ی جنگ‌افروزی‌ها و ردالتهای و دخالتهای قدرتهای قلدر در امور ملتهای و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

پنج) سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور

خامساً: کفه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست^{۳۲}، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای

^{۳۲} "عدالت، عدالت اجتماعی، برداشتن فاصله‌های زیاد بین قشرهای مختلف مردم. در این زمینه البته کم‌کاری داریم، عقب‌ماندگی داریم، کاری که باید در این زمینه انجام بگیرد آن‌چنان‌که شایسته و بایسته و لازم بوده انجام نگرفته؛ باید بجد دنبال این باشیم و بدانید که به توفیق الهی دنبال این هستیم و از این قضیه صرف‌نظر نخواهیم کرد؛ این یکی از پایه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی است. البته راهش مبارزه‌ی با ظلم و مبارزه‌ی با فساد است. عدالت معنای وسیع و گسترده‌ی بسیار زیادی دارد؛ هم در سطح داخل جامعه است، هم در سطح بین‌الملل است، هم در زمینه‌های اقتصادی است، هم در زمینه‌های سیاسی است؛ در همه‌ی زمینه‌ها عدالت یک مقوله‌ی بسیار مهمی است." ۱۹/۱۱/۱۳۹۶

اولیّه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است.^{۳۳} آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است^{۳۴}؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

شش) افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه

ساده‌ساز: عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود^{۳۵}، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان

^{۳۳} برای مطالعه بیشتر درباره مقایسه روند تغییرات نابرابری درآمد و ثروت در کل دنیا و در کشور ایران به پیوست شماره ۴ مراجعه نمایید.

^{۳۴} برای مطالعه بیشتر درباره گسترش برخورداری های عمومی در ایران پس از انقلاب اسلامی، به کتاب «صعود چهل ساله» از محصولات انتشارات معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی مراجعه نمایید.

^{۳۵} آنتونی پارسونز (سفیر انگلیس در ایران) در خاطراتش می نویسد:

جشن هنر سال ۱۳۵۶ شیراز، از نظر کثرت صحنه‌های اهانت‌آمیز به ارزش‌های اخلاقی ایرانیان، از جشن هنر پیشین فراتر رفته بود. به عنوان مثال... یکی از صحنه‌هایی که در پیاده‌رو اجرا می‌شد، تجاوز به عفت بود که به‌طور کامل، نه به‌طور نمایشی و وانمودسازی، به وسیله یک مرد کاملاً عریان یا بدون شلوار، درست به خاطر ندارم، با

را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیهی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل کردند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند.^{۳۶} مساجد و فضا‌های دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است. و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخشهای عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

هفت) ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان

سابعاً: نماد پُرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این

یک زن که پیراهنش به‌وسیله‌ی مرد متجاوز چاک داده می‌شود، در مقابل چشم همه صورت گرفت؛ ولی موضوع به شیراز محدود نشد و طوفان اعتراض که علیه این نمایش برخاست، به مطبوعات و تلویزیون هم رسید. من به این خاطر، موضوع را با شاه در میان گذاشته و به او گفتم: «اگر چنین نمایشی، به‌طور مثال در شهر منچستر انگلیس اجرا می‌شد، کارگردان و هنرپیشگان آن جان سالم به‌در نمی‌بردند!» شاه مدتی خندید و چیزی نگفت... . آنتونی پارسونز، غرور و سقوط؛ خاطرات سفیر سابق انگلیس در ایران، ص 91.

³⁶ در شهری سخنرانی داشتیم. بعد از پایان سخنرانی، همین که خواستم سوار ماشین شوم، دیدم خانمی پشت سر پاسدارها خطاب به من حرف می‌زند. گفتم راه را باز کنید، تا ببینم این خانم چه کار دارد. جلو آمد و گفت: از قول من به امام بگوئید بجهام اسیر دست دشمن بود و اخیراً مطلع شدم که او را شهید کرده‌اند. به امام بگوئید فدای سرتان، شما زنده باشید؛ من حاضرم بچه‌های دیگرم نیز در راه شما شهید شوند. من به تهران آمدم، خدمت امام رسیدم، ولی فراموش کردم این پیغام را به ایشان بگویم. بعد که بیرون آمدم، سفارش آن مادر شهید به ذهنم آمد. برگشتم و مجدداً خدمت امام رسیدم و آنچه را که آن خانم گفته بود، برای ایشان نقل کردم. بلافاصله دیدم آن‌چنان چهره‌ی امام درهم رفت و آن‌چنان اشک از چشم ایشان فرو ریخت، که قلب من را سخت فشرد. ۱۸/۰۳/۱۳۶۸

چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.

* انقلاب چهل‌ساله و گام بزرگ دوم

جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید.

محصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر

و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمیداشت.

اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالشها و شکست مستکبران

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالشهای مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمّال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاحهای پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب میبیند و البته باز هم در رویارویی، شکست میخورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.

جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفته‌ی اسلامی

اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند،

از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.

نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور

نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی میکنند که از نظر ظرفیتهای طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیتهای با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همتهای بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجادشده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی^{۳۷}، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی^{۳۸}، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینشهای علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمیتواند شد.

³⁷ بیش از 36 میلیون نفر از جمعیت ایران در سنین مابین 15 و 40 سالگی هستند. برای مشاهده هرم جمعیتی ایران به نشانی زیر مراجعه نمایید.

<https://www.populationpyramid.net/iran-islamic-republic-of/2017>

³⁸ رتبه دوم جهان در نسبت دانش‌آموختگان علوم و مهندسی بنابر گزارش شاخص جهانی نوآوری

<https://www.globalinnovationindex.org/userfiles/file/reportpdf/gii-full-report-2017.pdf>

فهرست طولانی فرصتهای مادی کشور

به جز اینها، فرصتهای مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل میدهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند میتوانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتمادبه‌نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است^{۳۹}؛ منابع عظیم زیرزمینی^{۴۰}، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی^{۴۱}، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخشهایی از ظرفیتهای کشور است؛ بسیاری از ظرفیتهای دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیتهای استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پُرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.

^{۳۹} گزارش فایننشیال تریبون: ایران دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است.

<https://financialtribune.com/articles/economy-business-and-markets/42685/iran-boasts-broad-spectrum-of-massive-mineral-wealth>

^{۴۰} وال استریت ژورنال: ایران، پنجمین کشور ثروتمند جهان در ذخایر منابع طبیعی است

<https://247wallst.com/special-report/2012/04/18/the-worlds-most-resource-rich-countries/3>

^{۴۱} ایران، در تولید یک سوم از محصولات کشاورزی جهان، جزو بیست کشور اول جهان است:

ایران؛ دومین تولیدکننده خرما، دومین تولیدکننده پسته، سومین تولیدکننده زردآلو، سومین تولیدکننده گیاس، سومین تولیدکننده بادام زمینی، سومین تولیدکننده گردو، سومین تولیدکننده هندوانه، چهارمین تولیدکننده انجیر، چهارمین تولیدکننده کیوی، چهارمین تولیدکننده خیارسبز، چهارمین تولیدکننده به، پنجمین تولیدکننده مرکبات، پنجمین تولیدکننده بادجان، پنجمین تولیدکننده سبزی، هفتمین تولیدکننده گوجه فرنگی و نهمین تولیدکننده انگور جهان است. منبع: سازمان جهانی غذا و کشاورزی (FAO) http://www.fao.org/faostat/en/#rankings/countries_by_commodity

* گام دوم و سرفصلها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده

اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.

اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفلها، هیچ گامی نمیتوان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویشهای انقلاب بسی فراتر از ریزشها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای

ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگرد^{۴۲}. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

و اما توصیه‌ها:

یک) علم و پژوهش

۱) علم و پژوهش: دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمیکنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است^{۴۳} که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان^{۴۴} - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید^{۴۵} و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد^{۴۶}،

^{۴۲} وزی رابین، رئیس سابق سازمان موشکی رژیم صهیونیستی و ملقب به پدر صنعت موشکی اسرائیل: "از نظر فنی ایرانی‌ها برای ما دشمن مهلکی هستند و لی من یک مهندس هستم و نمی‌توانم یک کار مهندس خوب را تحسین نکنم... کلاهم را به احترام آدمهایی که از نظر فنی این کار را انجام داده اند، از سرم بر می‌دارم. ساخت موتور جت های کوچک بسیار کار فنی سطح بالا و هوشمندانه‌ای است و ما در آمریکا فقط یک شرکت داریم که می‌تواند این موتورها را تولید کند..." سخنرانی در سمینار بازدارندگی هسته‌ای، موشکی، کنترل تسلیحات و سیاست دفاعی

^{۴۳} <https://www.scimagojr.com/countrysearch.php?country=ir>

^{۴۴} گزارش پایگاه علمی نیوساینتیست مبنی بر سرعت رشد 11 برابری تولید علم در ایران نسبت به متوسط جهانی بر اساس داده های ISI

<https://www.newscientist.com/article/dn18546-iran-showing-fastest-scientific-growth-of-any-country>

^{۴۵} رتبه شانزدهم تولید علم ایران در جهان بر اساس داده های Scopus

<https://www.scimagojr.com/countryrank.php?year=2017>

^{۴۶} قبلاً اشاره شد.

همه‌وهمه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است^{۴۷}. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به‌خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.

اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی‌شده، با همه‌ی اهمیّتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قلّه‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم. عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سالها با شدّت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدّی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدّت بیمناک است ناکام سازید.

(دو) معنویت و اخلاق

۲) معنویت و اخلاق: معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی،

^{۴۷} ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل، در زول سالیان پس از انقلاب، تحریم‌های متعددی را در حوزه تجهیزات نظامی و موشکی، کالاهای دارای کاربرد دوگانه، صنعت هسته‌ای و فناوری‌های حساس، تحریم‌های صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، فلزات پرکاربرد، فلزات گرانبها، مواد اولیه و تجهیزات صنایع دریایی، تجهیزات و قطعات صنایع هوایی، تجهیزات مرتبط با بخش حمل و نقل، مواد خام و نیمه ساخت معدنی و همچنین در حوزه تجارت خارجی و کالاهای اساسی بر جمهوری اسلامی ایران اعمال کردند.

گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست^{۴۸}. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاء الله.

48 "از جمله‌ی کارهای مهم، کارهای فرهنگی است؛ ما خلل و فُرج فرهنگی زیاد داریم؛ جاهایی که نفوذگاه دشمن است از لحاظ فرهنگی، بسیار است؛ این را، هم مجموعه‌های مسئول دولتی، هم مجموعه‌های گسترده‌ی عظیم مردمی موظفند که انجام بدهند. "آتش‌به‌اختیار" به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است؛ آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوانها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را- پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند." ۵/۰۴/۱۳۹۶

سه) اقتصاد

۳) اقتصاد: اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیات و معنویات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقلّ کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده^{۴۹}، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

^{۴۹} ابلاغ سیاستهای کلی نظم در حوزه های مختلف اقتصادی:

سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» ۲۹/۱۱/۱۳۹۲

سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی ۲۴/۱۱/۱۳۹۱

سیاست‌های کلی اشتغال ۲۸/۰۴/۱۳۹۰

سیاست‌های کلی نظام در امور «تشویق سرمایه گذاری» ۲۹/۱۱/۱۳۸۹

سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف ۱۵/۰۴/۱۳۸۹

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ۰۱/۰۳/۱۳۸۴

سیاست‌های کلی «امنیت اقتصادی» ۲۰/۱۲/۱۳۷۹

و اقدامات عملی بسیاری از جمله تشکیل قرارگاه اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۴ و تشکیل اتاق جنگ اقتصادی برای مقابله حرکات خصمانه دولت آمریکا در سال ۱۳۹۷

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است.

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت^{۵۰}، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن^{۵۱}، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویتهای و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است^{۵۲}. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.

^{۵۰} حکومت پهلوی مخارج خود و کشور را از راه فروش نفت خام تأمین می‌کرد؛ از این رو به قیمت نفت و افت و خیز بازارهای جهانی به شدت وابسته بود. جمهوری اسلامی با رویکرد مبارزه با وابستگی به نفت، توانست روز به روز وابستگی خود به نفت را کاهش دهد؛ به نحوی که در سال ۱۳۷۸م (۱۳۵۷ش) نزدیک به ۹۴ درصد از صادرات ایران، سهم نفت خام بوده است و جمهوری اسلامی توانست در سال ۲۰۱۶م (۱۳۹۵ش) این سهم را به حدود ۵۲ درصد کاهش دهد اما هنوز هم وابستگی به نفت یکی از بلایای اقتصادی کشور ایران است.

وابستگی ۵۲ درصدی صادرات ایران به نفت خام در سال ۲۰۱۷م

https://atlas.media.mit.edu/en/visualize/tree_map/sitc/export/irn/all/show/2017

وابستگی ۹۴ درصدی صادرات ایران به نفت خام در سال ۱۳۷۸م

https://atlas.media.mit.edu/en/visualize/tree_map/sitc/export/irn/all/show/1978

^{۵۱} عدم رعایت موارد قانونی مصرف بودجه توسط دولت که به عنوان مثال در گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۹۵ بدان اشاره شده است:

ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مجموعاً دارای ۹۹ تبصره و بند است. در محدوده رسیدگی ها، مشخص است که حدود ۲۰٪ از احکام قانونی رعایت شده است. احکام قانونی در ۶۵٪ موارد به طور کامل و یا بخشی از آن رعایت نگردیده و اهداف مدنظر قانون گذار در ۱۹٪ موارد به طور کامل و یا بخشی از آن محقق شده است. همچنین ۸٪ احکام فاقد عملکرد می باشد.

دیوان محاسبات کشور، خلاصه گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۹۵، صفحه ۷

^{۵۲} اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می افتد. رؤسای سازمانهای گوناگون مصرف شخصی نمیکنند، اما مصرف بیرویه در مورد سازمان خودشان اتفاق می افتد؛ تجملات اداره، اتاق کار، تزییناتش، سفرهای بیهوده، میلمانهای گوناگون؛ باید با مراقبت و نظارت از این کارها جلوگیری کرد. هم در سطح دولت، هم در سطح آحاد مردم، هم در

راهحلّ این مشکلات، سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه‌ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولّد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهمّ این راهحل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلّط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راهحل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علّت تحریم هم مقاومت ضدّ استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راهحل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر میشود، امّا منشأ آن، کانونهای فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء میشود.

چهار) عدالت و مبارزه با فساد

۴) عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیتهای مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدّی‌تر

سطح سازمانها بایستی نگاه عیب‌جویانه‌ی به اسراف وجود داشته باشد. همان طور که عرض کردیم، با حرف هم تمام نمیشود؛ باید برنامه‌ریزی کنند. قوه‌ی مقننه و قوه‌ی مجریه موظفند به پیگیری. برنامه‌ریزی کنند، قانونگذاری کنند، قانون را با قاطعیت تمام اجراء کنند. ۱/۱۳۸۸/۰۱

و بنیانی تر از دیگر نظامها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به‌معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر^{۵۳} و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فسادپرور بود^{۵۴}، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی باایمان و جهادگر، و منیع‌الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه

^{۵۳} سوییس، آمریکا، کشورهای اسکندیناوی و کشورهای شرق آسیا؛ بالاترین آمار شاخص پنهان کاری مالی FSI را در میان کشورهای دنیا دارند.

<https://financialsecrecyindex.com/introduction/fsi-2018-results>

^{۵۴} تصویر ۵ محمدرضا پهلوی، بزرگترین دزد در میان همه دیکتاتورها

منبع: سازمان مبارزه با جرایم و مواد مخدر ملل متحد UNODC به نقل از مقاله موسسه فرانسوی CCFD

"در دوران مسئولیت در بازرسی متوجه شدم که اصولاً موارد سوء استفاده و حیف و میل نهایت ندارد در دوران ۱۳ ساله نخست وزیری هویدا همه می‌چاپیدند و هویدا کاملاً نسبت به این وضع بی تفاوت بود در صورتی که یکی از مهم‌ترین وظایف رئیس دولت جلوگیری از فساد و حیف و میل اموال دولتی است. در هیچ زمانی به اندازه دوران هویدا فساد گسترده نبود و او چون جلب رضایت محمد رضا را می‌طلبید نمی‌خواست کسی را از خود ناراضی کند و به همین دلیل نیز صدارت او طولانی شد. من هر ۲ ماه یکبار از طرف افسر دفتر ویژه، که مسئول پیگیری پرونده‌ها بود، پیشرفت کار را سؤال می‌کردم. اصلاً پیشرفتی وجود نداشت و صفر بود، همه پرونده‌ها طبق دستور شفاهی نخست وزیر به وزیر دادگستری، بایگانی نمی‌شد و محمد رضا نیز اهمیتی به این امر نمی‌داد و از نظر او بی‌ایراد بود."

حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱، ص ۲۷۵، ۲۷۴ و ۲۷۳.

بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.

عدالت در صدر هدفهای اولیّه‌ی همه‌ی بعثتهای الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولیّ عصر (ارواح‌افاده) میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گامهای بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لاقط سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدّی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیتهای بتید و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدّت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، امّا تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدّت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است^{۵۵} ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداره‌ی

^{۵۵} برای نمونه:

فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی ۱۳۸۰/۰۲/۱۰

مرقومه رهبر انقلاب برای همایش ملی ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد:

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پاسخ به نامه آقای جهانگیری معاون اول رئیس جمهور، در ارتباط با برگزاری «همایش ملی ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» و درخواست صدور پیام برای این همایش، مرقومه‌ای را صادر کردند.

متن مرقومه رهبر معظم انقلاب که صبح امروز (دوشنبه) توسط معاون اول رئیس جمهور در محل برگزاری این همایش در سالن اجلاس سران قرائت شد، به شرح زیر

بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله.

پنج) استقلال و آزادی

۵) استقلال و آزادی: استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزشهای اسلامی‌اند و این هر دو عطیّی الهی به انسانهایند و هیچ کدام تفضّل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظّف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله‌ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آوردِ صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمر شجره‌ی طیّبه‌ی انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان در خطر قرار داد. همه -مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی- موظّف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود.^{۵۶}

است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

نفس اتمام آقایان به امر مبارزه با فساد را تحسین می‌کنم، لکن این سمینار و امثال آن بناست چه معجزه‌ای بکند؟ مگر وضعیت برای شما مسئولان سه قوه روشن نیست؟ با توجه به شرایط مناسب و امیدبخشی که از لحاظ همدلی و هماهنگی و همفکری بین مسئولان امر وجود دارد، چرا اقدام قاطع و اساسی انجام نمی‌گیرد که نتیجه را همه بطور ملموس مشاهده کنند. توقع من از آقایان محترم این است که چه با سمینار و چه بدون آن، تصمیمات قاطع و عملی بدون هرگونه ملاحظه‌ای بگیرند و اجرا کنند. موفق باشید». ۱۷/۰۹/۱۳۹۳

^{۵۶} مقام معظم رهبری در همین رابطه با اشاره به بازتولید وابستگی با ادبیاتی دیگر در کشور میفرمایند:

" همان آفت وابستگی، بعد به شکلهای دیگری در کشور بازتولید شد؛ چون بالاخره دشمنان عامل دارند؛ خب اینکه قابل انکار نیست. ملت، ملت بزرگی است، ملت خوبی است اما در درون ملت -مثل همه‌ی ملت‌های دیگر- آدمهای غریب‌پرست، آدمهای سست‌عنصر، آدمهای مادی، آدمهای فریب‌خور هستند؛ اینها شروع کردند بازتولید همان فرهنگ وابستگی، منتها با یک ادبیات شیک و رنگ‌آمیزی شده و قالب‌بندی شده و بسته‌بندی شده به اسمهای دیگر: جهانی شدن، وارد شدن در خانواده‌ی جهانی. امروز هم این توصیه‌هایی که غربی‌ها و آمریکایی‌ها در جلسات به ما میکنند این است: ایران خودش را با خانواده‌ی جهانی همراه کند، یکسان کند؛ جهانی بشود. مرادشان همان وابستگی است، این همان است. اشتباه نشود... جهانی شدن، اسم خیلی قشنگی است و هر کشوری فکر می‌کند بازارهای جهانی به رویش باز می‌شود. اما جهانی

شش) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

۶) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا^{۵۷} و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه^{۵۸}.

اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آمد. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه

شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد. اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا کند، باید کشورها استقلال خودشان - استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی - و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند؛ و الاً جهانی شدنی که ده‌ها سال پیش از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال این‌ها - که همه ابزارهای آمریکائی و استکباری بودند - به وجود آمده، ارزشی ندارد. بنابراین، یک اصل مهم، مسئله‌ی استقلال است؛ که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سراب پیشرفت است." ۲۸/۰۷/۱۳۹۵، ۲۸/۰۷/۱۳۹۵، ۲۷/۲/۱۳۸۸

⁵⁷ اعتراف رئیس جمهور آمریکا به شکست سیاستهای آمریکا در خاورمیانه علیرغم هزینه 7 هزار میلیارد دلاری
<https://www.newsweek.com/trump-says-us-spent-7-trillion-middle-east-mistake-iraq-cost-88-billion-804215>

⁵⁸ نمونه ای از بازتاب حضور قدرتمندانه سیاسی ایران در منطقه در رسانه های بین المللی:

یواس نیوز: حرکت بزرگ ایران؛ سیاستهای آمریکا زمینه افزایش گستره جغرافیایی ایران را فراهم میکند.

<https://www.usnews.com/opinion/world-report/articles/2017-09-05/how-the-us-is-facilitating-irans-regional-hegemony>

گزارش سازمان ناتو: ارتقاء ایران به عنوان قدرت منطقه ای؛ قدرتمندسازی شیعه و محدودیتهای آن

<https://www.nato.int/docu/review/2016/also-in-2016/iran-regional-power-tehran-islamic/EN/index.htm>

نشال اینترست: چگونه ایران، خاورمیانه را بازسازی میکند؟

<https://nationalinterest.org/feature/4-middle-east-events-helped-expand-irans-influence-23583>

و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت کار، تعدادی از دولتهای اروپایی را نیز خدعه گر و غیر قابل اعتماد میدانند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت^{۵۹}.

هفت) سبک زندگی

۷) سبک زندگی: سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامیگذارم و به همین جمله اکتفا میکنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی جبران

⁵⁹ بحمدالله امروز عزت مردم در کشور ما، بر اثر همین روح استکبار ستیزی است. و استکبار ستیزی موجب انزوای هیچ ملتی نمیشود. آمریکاییها خودشان میخواهند این طور وانمود کنند که اگر ملت ایران با ما رابطه برقرار نکند، منزوی میشود! ما با آمریکا، رابطه هم برقرار نکردیم، رابطه را هم رد کردیم؛ نه که منزوی نشدیم، بلکه در قضیه اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی در تهران و یک قضیه دیگر قبل از آن، همه دنیا گفتند که آمریکا در مقابل ملت ایران منزوی شد! ایستادگی یک ملت، موجب انزوای او نمیشود، بلکه بیشتر موجب عزت او میگردد. همچنان که رابطه با دولت آمریکا یا هر دولت دیگر هم هیچ گرهایی را از کار ملتی که خودش نتواند دردهای خود را علاج کند، باز نمیکند.

شما به ملتهای شرق آسیا نگاه کنید! یکی از رؤسای معروف همین چند کشور آسیایی که در قضایای بحران اقتصادی، چند ماه قبل دچار ضرر شدند، در قضیه کنفرانس اسلامی که به تهران آمده بود، به من گفت: «ملت ما یک شبه تبدیل به یک ملت فقیر شد!» میگفت عامل آن هم همین سرمایه داران صهیونیست و آمریکایی هستند! آن کشور، با آمریکا هم روابط صمیمانه، یا رابطه دوستانه دارد. مگر رابطه میتواند مشکلی را از کار یک ملت حل کند؟! مگر استکبار و ایادی دولت آمریکا و دیگران، آن وقتی که منافعشان ایجاب کند، به ملتی رحم میکنند؟! نه به اقتصاد رحم میکنند، نه به فرهنگ، نه به مردم، نه به پول و نه به اقتصاد بین المللی. به کسی رحم نمیکند!

حال فلان آقای نویسنده، از فضای بازی که بحمدالله در کشور ما هست، سوء استفاده کند و ایستادگی ملت ایران را بگوید «انزوا»! آیا این انزوا است؟! آیا ملتی که همه دنیا از عزت و عظمتش خبر میدهند، منزوی است؟! اگر معنای منزوی این است که یک ملت مستقل باشد و تسلیم این و آن نشود، این انزوا از هر چیز دیگری بهتر است! این انزوا نیست. خیال کرده اید که اگر ملت ایران از اصول خود صرف نظر کند، از راه پرافتخار دوران حیات مبارک امام برگردد و دست دوستی التماس آمیز و حقارت آمیز به سوی قدرتها دراز کند، همه مشکلات اقتصادی این کشور، یک شبه حل خواهد شد! ابداً!

آن کشورهایی که دوستیشان با آمریکا خیلی شدیدتر بود، آن ضربه را از ناحیه سرمایه داران خود آمریکا خوردند! مگر آمریکاییها به صغیر و کبیر رحم میکنند؟! در فضای فرهنگی و مطبوعاتی که در این چند ماه آخر، به شدت ناسالم شده و ناسالم میشود، متأسفانه بعضی سمپاشی و زهرافشانی میکنند! البته سیاست ما این نیست که کسی را به خاطر نوشتن چیزی و پخش مطلبی، تا خلاف قانون نباشد، مورد ملامت قرار دهیم؛ اما به افشاگری میپردازیم و آنها را به مردم معرفی میکنیم. اگر هم دست برندارند، مردم خودشان میدانند که با آنها چه کنند! ۱۳۷۷/۱/۰۱.

اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است.

در پایان از حضور سرافرازانه و افتخارانگیز و دشمن‌شکن ملت عزیز در بیست‌ودوم بهمن و چهلمین سالگرد انقلاب عظیم اسلامی تشکر میکنم و پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق می‌سایم. سلام بر حضرت بقیه‌الله (ارواح‌نافذاه)؛ سلام بر ارواح طیبه‌ی شهیدان والامقام و روح مطهر امام بزرگوار؛ و سلام بر همه‌ی ملت عزیز ایران و سلام ویژه به جوانان.

دعاگوی شما

سیدعلی خامنه‌ای

۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۷

پیوست 1

سخنان مقام معظم رهبری پیرامون مقایسه پیشرفت انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌های دنیا

■ مقایسه سه انقلاب فرانسه، روسیه و الجزایر با انقلاب اسلامی مردم ایران

من یادداشت کرده‌ام که انقلابمان را با سه انقلاب معروف - که کم و بیش شما آقایان می‌شناسید - مقایسه کنم؛ البته غیر از اینها هم مواردی هست، اما این سه انقلاب، مهم است.

یکی انقلاب کبیر فرانسه است - از انقلابهای دور دست؛ با دویست و خرده‌یی سال فاصله - یکی انقلاب شوروی - در فاصله‌ی تقریباً نزدیک به ما - که یکی از بزرگترین انقلابهای قرون اخیر است، یکی هم یک انقلاب اسلامی، یعنی انقلاب الجزایر که حقیقتاً انقلاب بود. آدم نمیتواند این کودتاهایی که به اسم انقلاب، در افریقا و امریکای لاتین انجام گرفت، واقعاً خیلی انقلاب بداند؛ والا من بعضی از این جاهایی که انقلاب کردند - کشورهای افریقایی و غیرافریقایی، موزامبیک، زیمبابوه، یا آنچه در هند اتفاق افتاد - دیده‌ام؛ اگر بشود اسم آنها را انقلاب گذاشت!

ما اینها را از نزدیک مشاهده کردیم؛ هیچ کدام آن چنان خصوصیتی را ندارند که اصلاً بشود آنها را با انقلاب ما مقایسه کرد. اما این سه انقلاب، تا حدودی قابل مقایسه‌اند. البته به نظر من مقایسه‌ی اینها هم یک کار بسیار شیرین علمی است؛ چقدر خوب است که کسانی هم این کار را بکنند! هم علمی، به معنای جامعه‌شناسی است، هم علمی، به معنای تاریخی است.

■ انقلاب کبیر فرانسه؛ روی کار آمدن ناپلئون، بازگشت به دوران پادشاهی و تحقق نیافتن

آرمان آزادی و آرای مردم

بیست سال از انقلاب ما گذشته است؛ شما بیست سال بعد از انقلاب کبیر فرانسه را، بیست سال بعد از انقلاب اکتبر، یا بیست سال بعد از انقلاب الجزایر را در نظر بگیرید. شما بیست سال بعد از انقلاب کبیر فرانسه - حدود سال ۱۸۰۹ - را نگاه کنید، چیزی که از فرانسه‌ی دوران لوئی شانزدهم تغییر پیدا کرده، شخص پادشاه است! در سال ۱۸۰۹، پادشاهی به نام ناپلئون بناپارت بر سر کار است؛ یک امپراتور، تاجگذاری کرده و به معنای واقعی کلمه، پادشاهی میکند! آرای مردم و آزادی به آن معنایی که انقلاب کبیر فرانسه برایش تلاش کرد - در زندگی و در حکومت مطلقه‌ی ناپلئون، یک ذره وجود ندارد! بله، تفاوت دیگرش آن است که لوئی شانزدهم، پادشاه کم عرضه‌یی بود، در حالی که بناپارت، پادشاهی با عرضه و قوی بود.

■ کشورگشایی، تنها افتخار ناپلئون بناپارت

آن چیزی که امروز فرانسه میتواند به عنوان افتخار بناپارت یاد کند، این است که او ایتالیا و اتریش و بلژیک را فتح کرد - کارهای او این است دیگر - و الا بیست سال بعد از انقلاب برای بناپارت، هیچ افتخار دیگری از لحاظ آرمانهای انقلاب - آن حرفهایی که «ژان ژاپلوسه» و «ولتر» و دیگران میگفتند - در حکومت فرانسه، مطلقاً وجود ندارد! البته اگر شما در این بیست سال نگاه کنید و ببینید در فرانسه چه گذشته است، حقیقتاً خواهید دید که انقلاب عظیم و شکوهمند ما، اصلاً برترین پدیده‌یی است که میتواند در این نمونه‌ها مورد نظر قرار بگیرد.

■ برخوردهای کور و خشن گروههای مختلف حاکم بر فرانسه در دوران انقلاب

در طول این بیست سال در فرانسه - تا قبل از این که ناپلئون روی کار بیاید - سه گروه، هر سه به عنوان انقلاب، سرکار آمدند. گروه اول، گروه انقلابیونی بودند که - شاید ماجراهایش را شنیده، یا خوانده‌اید - آن برخوردهای خشن، کور و فراموش نشدنی و آن ویرانیها را در تاریخ فرانسه کردند! به هر حال، یک انقلاب کردند؛ تا حدودی قابل تحمل بود.

بعد از حدود پنج سال، گروه دوم سرکار آمدند و گروه اول را قلع و قمع کردند! شخصیتهای برجسته‌ی انقلابی - تقریباً بدون استثنا - اعدام شدند! این گروه دوم، گروه افراطیون بودند؛ کسانی بودند که انقلابیون اولیه را متهم به سازشکاری کرده و آنها را اعدام کردند.

گروه سوم آمدند و گروه دوم را متهم به تندروی کردند؛ بعضی از آنها را اعدام و خیلی را تبعید کردند و این تبعید، تا سالها ادامه داشت!

شما اگر بینوایان ویکتور هوگو را خوانده باشید، در اول داستان، صحبت پیرمردی است که جزو منتخبین همان گروه دوم بوده است. تا آن تاریخی که داستان ویکتور هوگو شروع میشود - تقریباً اواخر قرن نوزدهم، یعنی حدود سال ۱۸۲۵، شاید هم بیشتر - هنوز آن تبعیدی وجود داشته است؛ که شما مجرای آن تبعیدی را و این که چه میکرد و چه میگفت و چطور هنوز میترسید، در آن داستان مشاهده میکنید!

■ صد سال اضطراب و درگیری در فرانسه بعد از انقلاب

بعد، گروه سوم که کار خودشان را انجام دادند - البته با ضعف تمام - زمینه را برای روی کار آوردن ناپلئون فراهم کردند و ناپلئون با استفاده از زرنگیها و نبوغ خودش و اوضاع نابسامان فرانسه، در رأس قدرت آمد و

پادشاهی را برگرداند؛ منتها نه پادشاهی - به اصطلاح - سلسله‌ی بوربن‌ها که همان لوئی شانزدهم و غیره، جزوش بودند. البته این وضعیت، تا زمانی بود که ناپلئون زنده بود؛ بعد که ناپلئون مرد، باز همان گروه - یعنی پادشاهان بوربن‌ها، لوئی هجدهم و اینها - سرکار آمدند و فرانسه تا دهها سال دچار اضطراب بود - تقریباً صد سال بعد از انقلاب فرانسه - اینها واقعاً چیزهای عجیب و داستانهای مهمی است!

من افسوس میخورم که چرا بعضی از جوانهای ما با این ماجراها آشنا نیستند! ۱! (راست میگویید؛ من هم اتفاقاً میخواستیم به رادیو تلویزیون بگویم که شما جلو افتادید! یک مقدار هم تقصیر همین آموزشها و همین چیزهاست که متأسفانه نداریم؛ ولی کتابخوانی هم بینقص نیست، باید کتاب هم نوشته شود.

خلاصه، صد سال بعد از انقلاب، فرانسه مثل یک کشتی در حال تلاطم بوده است؛ پادشاهان متعدد سرکار آمدند و رفتند! بعد از ناپلئون، باز بوربن‌ها آمدند و رفتند؛ تا بالاخره کمونیستها سرکار آمدند و باز رفتند؛ تا بالاخره بعد از یکصد و خرده‌ی سال، جمهوری فرانسه سروسامانی به خودش گرفت!

حالا شما آن را با بیست سال بعد از انقلاب ما مقایسه کنید. ما الان سر بیست سالگی هستیم دیگر؛ ببینید آن‌جا چه خبر بوده و این‌جا چه خبر است!

▪ انقلاب اکتبر روسیه

شما بیست سال بعد از انقلاب اکتبر - یعنی سال ۱۹۳۷ - شوروی را نگاه کنید؛ اینها را من و امثال من یادمان است؛ دیکتاتوری سیاه استالین بر شوروی در آن بیست سال حاکم بود، که صدها هزار آدم به جرم مخالفت با حکومت استالین - یا توهم مخالفت - اعدام و نابود شدند! و چند برابر آن در سیبری، تبعید شدند و چه شدند! تمام رؤسای سطح اول انقلاب، یکسره به وسیله‌ی کسانی که بعداً وارث آنها بودند، اعدام، یا فراری شدند و عده‌ی در تبعید کشته شدند! شما خود شوروی را هم که در ۱۹۳۷ نگاه کنید، میبینید که آن اوج دیکتاتوری سیاه استالین است.

▪ عدم پایبندی استالین و جانشینانش به مبانی انقلاب

این دیکتاتوری، با حفظ مبانی انقلاب نبوده؛ یعنی استالین، یک تزار واقعی بود. فقط از خانواده‌ی رُمانف نبود، فرد دیگری بود؛ اما یک تزار و یک پادشاه مطلق بود! من گمان نمیکنم هیچ پادشاهی که در قصر «کرمین» حکومت کرده بود، به قدر استالین پادشاهی کرده باشد! چون او هم در همان قصر و با همان تشریفات و همان امکانات و همان زندگی و اینها بود.

استالین، تنها چیزی که از انقلاب حفظ کرد، آن نیم تنه‌ی بود که تا آخر عمرش به شکل یک فرم

میپوشیدند که تا بالا دکمه میخورد! آن را هم به مجردی که مرد، اعقابش - همان چند نفری که بودند - کنار گذاشتند و هیچ چیز دیگر نماند؛ تمام شد! از انقلاب، فقط اسمش ماند؛ اگرچه از اول هم که انقلاب شد و سرکار آمده بودند، حکومت کارگری، فقط اسم بود! این هم انقلاب شوروی، بعد از بیست سال!

■ انقلاب الجزایر

انقلاب الجزایر را بعد از بیست سال، خود من دیدم؛ سالی که من به الجزایر رفتم، حدود نوزده سال از انقلاب گذشته بود. وضع آنها واقعاً عبرت‌انگیز است. انقلاب الجزایر، انقلاب اسلامی، انقلاب مساجد و انقلاب علمای دین بود؛ انقلاب، از مساجد، از مدارس دینی و از حوزه‌های علمیه شروع شد - مثل انقلاب خود ما - لیکن حتی یک روز، حکومت دینی در الجزایر به وجود نیامد! از همان اول، فرانسویها توانستند هم فرهنگ و آداب خودشان، هم بیاعتقادی به دین را در الجزایر - که تحت نفوذشان بود و داشت از استعمارشان خلاص میشد - نفوذ بدهند!

در زمان ریاست جمهوری من، یکی از بزرگان الجزایر به دیدن من آمد؛ با من که صحبت میکرد، به زبان عربی حرف میزد. بعد میخواست جمله‌یی را بگوید، لغت عربی به یادش نیامد؛ با این که زبان خودش و سخنگوی دولت بود! یک خرده فکر کرد، یادش نیامد؛ برگشت و به زبان فرانسه، از همراهش پرسید که این لغت، چه میشود؟ او لغت عربی را به وی گفت؛ بعد او حرفش را با بنده ادامه داد!

یعنی آنها حتی زبان عربی را - نه دین را، بلکه زبان عربی و عربیت را - که ظاهراً خیلی برایش اهمیت قایل بودند، نتوانستند در الجزایر حفظ کنند و نگه بدارند و زنده کنند! در آن جا از اسلام، مطلقاً خبری نبود؛ از لحاظ وضع زندگی و مادی و اقتصادی هم زیر بد! وضع آنها از لحاظ کشاورزی، از لحاظ اقتصادی - همه چیزشان - واقعاً زیر بد بود! البته یک ظاهر حکومت انقلابی داشتند و مواضع سیاسی خوبی در دنیا میگرفتند.

الجزایریها فقط در زمان «بومدین» که رئیس جمهوری بود - وقتی انقلاب پیروز شد، برسرکار آمد - مواضع انقلابی، به معنای موضع مستقلی در مقابل امریکا و استکبار میگرفتند و از مسأله‌ی فلسطین دفاع میکردند! بعد از گذشت چند سال، همین هم عوض شد!

■ نقش القاتل‌های بیگانه بر آرمان زدایی از انقلاب الجزایر

البته من وقتی به وضع آنها نگاه میکنم - یادم است، خودم هم در یادداشتهای روزانه‌یی که گاهی مینوشتم، چیزهایی را در همین زمینه نوشته‌ام؛ حالا که ملاحظه میکنم، خیلی عبرت‌انگیز است - حرفهایی را که آن

روز الجزایریها میگفتند، برای این که دفاع خودشان از قضیه‌ی فلسطین را پس بگیرند و از قضیه‌ی فلسطین دفاع نکنند و بخصوص به امریکا نزدیک بشوند، خیلی شبیه به حرفهایی است که مرتب رادیوهای بیگانه، در شرایط کنونی القا میکنند تا در ذهنیت ماها - مسئولین کشور - بیاید! نوع حرفها همان حرفهایی است که الان هم وقتی آدم، رادیو BBC، رادیو آمریکا و رادیو صهیونیستی را میشنود، میبیند که آنها میکوشند بلکه بتوانند همان جور استدلالها و همان حرفها را که آن روز در زبان الجزایریها بود، در زبان ما هم جاری کنند! که خوشبختانه نتوانسته‌اند و نخواهند توانست.

آنها حرفهای رادیوهای بیگانه را قبول کرده بودند و بیست سال بعد از انقلاب الجزایر، دیگر انقلابی، اسلامی و دینی نبود! ارزشهای اخلاقی و معنوی، مطلقاً وجود نداشت؛ پیشرفت مادی هم نبود! شورویها اگر نتوانستند زندگی مردم را درست کنند، لاقلاً نتوانستند در مسابقه‌ی فضایی، کار برجسته‌یی نشان بدهند. فرانسویها اگر نتوانستند آزادی و استقلال و اصول انقلابشان را تحقق ببخشند، لاقلاً نتوانستند فتوحات جهانی بکنند؛ اگرچه آن، مثبت نیست، اما از لحاظ - مثلاً - عنوان تاریخی میگفتند که ناپلئون از لحاظ فتوحات نظامی، شخص برجسته‌یی بود. که او هم آخر کار، نابود شد؛ یعنی در جنگ با روسیه، به خاکستر نشست و بکلی از بین رفت.

بنابراین وقتی که ما مقایسه میکنیم، میبینیم انقلاب ما بعد از بیست سال، آسیبهایی گوناگون یک انقلاب بزرگ مثل انقلاب فرانسه، یک انقلاب پرسروصدا مثل انقلاب شوروی و یک انقلاب - به اصطلاح - اسلامی مثل انقلاب الجزایر را مطلقاً نداشته است؛ و این نشان دهنده‌ی بنیه‌ی این انقلاب است"

۱۵/۱۲/۱۳۷۷.

پیوست 2

برخی از مشکلات سیاسی، اقتصادی اجتماعی ایالات متحده آمریکا

بدهکارترین کشور جهان با بدهی حدود 22 هزار میلیارد دلاری

<https://tradingeconomics.com/united-states/government-debt>

بالاترین کسری بودجه در میان کشورهای دنیا و رشد سریعتر هزینه ها نسبت به درآمدهای دولت آمریکا

<https://edition.cnn.com/2018/10/15/economy/us-budget-deficit/index.html>

شکاف طبقاتی بین 1 درصد پردرآمد و 50 درصد کم درآمد جامعه آمریکا

<https://wir2018.wid.world/files/download/wir2018-summary-english.pdf>

توزیع ظالمانه ثروت در آمریکا/ سهم منفی یک پنجم آمریکایی ها از ثروت کل کشور

<https://www.washingtonpost.com/news/wonk/wp/2017/12/06/the-richest-1-percent-now-owns-more-of-the-countrys-wealth-than-at-any-time-in-the-past-50-years/>

بالاترین میزان بیخانمانی مردم در طول تاریخ آمریکا

http://www.coalitionforthehomeless.org/wp-content/uploads/2015/03/ChartA_Pg21.jpg

بیماریهای روحی و روانی و افسردگی، سومین عامل بستری شدن مردم آمریکا در بیمارستانها/ نیمی از آمریکاییها با بیماریهای روحی و روانی درگیر بوده اند

https://www.cdc.gov/mentalhealth/data_publications/index.htm

روند افزایشی مرگ و میر بر اثر سوء مصرف مواد مخدر و الکل در آمریکا

<https://ourworldindata.org/grapher/mortality-from-alcohol-and-drug-use-disorders>

آمریکا دارای بالاترین نرخ سوء مصرف مواد مخدر در دنیا

<https://ourworldindata.org/grapher/share-with-drug-use-disorders>

1 نفر از هر 5 زن آمریکایی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند

<https://www.cdc.gov/violenceprevention/pdf/NISVS-StateReportBook.pdf>

پیوست 3

حادثه انقلاب اسلامی از نگاه برخی از اندیشمندان غربی

بسیاری از دانشمندان غربی به جنبه هایی از انقلاب اسلامی و نیز شخصیت امام خمینی رحمه الله اشاره کرده اند که حتی از نگاه اندیشمندان ایرانی نیز پنهان مانده یا کمتر بدان توجه کرده اند. آنچه در این نوشتار می آید، نگاهی است به اعتراف شش تن از اندیشمندان غربی درباره ویژگی های برجسته انقلاب اسلامی.

1- الوین تافلر

تافلر در بخش پایانی کتاب، با توجه به پدیده انقلاب اسلامی و شخصیت اثرگذار امام خمینی رحمه الله می نویسد: «این پرسش که کدام کشور بر قرن بیست و یکم مسلط خواهد شد، بازی هیجان انگیزی است. اما در واقع طرح این پرسش غلط است یا حداقل به شکل درستی مطرح نمی شود؛ زیرا بزرگ ترین تحول امور جهانی از پیدایش دولت ملی به این سو، یعنی ظهور گلا دیاتورهای جهانی را نادیده می گیرد. گروه جدیدی، خود را به صحنه جهانی پرتاب می کنند و بخش های قابل توجهی از اقتداری را که روزگاری تنها در کنترل کشورها بود به چنگ می آورند. وقتی آیت الله خمینی حکم اعدام سلمان رشدی را صادر کرد و کتاب آیات شیطانی اش را کفرآمیز اعلام نمود، برای همه حکومت های جهان، پیامی تاریخی فرستاد. این پیام فوراً از طریق ماهواره و تلویزیون و مطبوعات انتقال یافت، اما آن را کاملاً غلط فهمیدند.

می توان استدلال کرد که کتاب سلمان رشدی، لحن بدی داشت و از روی تعمد بسیاری از مسلمانان را رنجانده است و کل مذهب را به باد استهزا گرفته و قرآن را زیر پا گذاشته است. در واقع آیت الله خمینی همه اینها را گفته است. اما پیام واقعی او این نبود، بلکه آیت الله به جهان می گفت که دولت ملی (آمریکا)، دیگر تنها یا حتی مهم ترین بازیگر صحنه جهانی به شمار نمی آید.

آیت الله خمینی با ادعای چنین حقی و تهدید به اینکه با توسل به زور آن را اعمال خواهد کرد، به ناگهان بازیگری را از سطح مسئله ای داخلی به سطح موضوعی جهانی پرتاب کرد. ...».

تافلر، الوین. 1374. جابجایی در قدرت. ترجمه: شهیندخت خوارزمی. تهران: سیمرغ. چاپ پنجم. (690 و 691)

2- پرواند آبراهامیان

بخشی از سخنان آبراهامیان در کتاب ایران بین دو انقلاب درباره انقلاب اسلامی ایران چنین است: «در سده بیستم، دو انقلاب مهم (انقلاب مشروطه 1285 - 1288) و انقلاب اسلامی (1357) در ایران روی داده است. انقلاب نخست، شاهد پیروزی هرچند کوتاه روشنفکران مدرن بود. اما با انقلاب دوم، علمای سنتی به میدان آمدند؛ علمایی که از "دوران طلایی" اسلام الهام می گرفتند، پیروزی خود را با طرح و تدوین یک قانون اساسی کاملاً دینی تضمین نمودند، محاکم شرع را جایگزین داد گاه های موجود کردند و مفاهیم غربی همچون دموکراسی را مورد انتقاد قرار دادند.

در واقع در تاریخ معاصر جهان، انقلاب اسلامی پدیده بی همتایی است؛ زیرا نه یک گروه اجتماعی جدید مجهز به احزاب سیاسی و ایدئولوژی های غیر دینی، بلکه روحانیون سنتی مجهز به منبر و مدعی حق الهی در نظارت بر عملکرد همه مقامات غیرروحانی، حتی عالی ترین نهاد متشکل از نمایندگان منتخب ملت را به قدرت رساند ...

درباره رهبری این انقلاب، یعنی آیت الله خمینی باید گفت دو عامل، نقش تعیین کننده و محبوبیت گسترده آیت الله خمینی را روشن می کند. عامل نخست شخصیت، به ویژه زندگی ساده آیت الله خمینی و خودداری او از سازش با حاکمیت فاسد زمان او بود. در کشوری که بیشتر سیاستمدارانش در آسایش و رفاه به سر می بردند، آیت الله خمینی زندگی ریاضت منشانه ای داشت و مانند توده مردم رفاه مادی چندانی نداشت. در جامعه ای که رهبران سیاسی آن، هزار چهره و اهل زد و بند و خویشاوند پرستی های اصلاح ناپذیری بودند، آیت الله خمینی سرسختانه هرگونه سازش را، رد می کرد، و همچون «مردان خدا» که نه در جست وجوی قدرت ظاهری، بلکه در پی اقتدار معنوی هستند، عمل می کرد.

دومین عامل تبیین کننده جایگاه برجسته آیت الله خمینی، هوشیاری او به ویژه در رهبری طیف گسترده ای از نیروهای سیاسی و اجتماعی است. ...در انتقاد از رژیم، بر مسائل و موضوعاتی انگشت می گذاشت که عامل نارضایتی همه جناح های مخالف بود، همانند: امتیازات داده شده به غرب، پیوند پنهانی و غیرمستقیم با اسرائیل، هزینه های بیهوده تسلیحاتی، فساد رایج در میان بزرگان دولتی، رکود و نابسامانی در بخش کشاورزی، افزایش هزینه زندگی، کمبود مسکن و گسترش روزافزون حلی آبادها، شکاف فزاینده میان فقرا و ثروتمندان، سرکوب روزنامه ها و احزاب سیاسی، ایجاد دولت دیوان سالار حجیم و زیر پا گذاشتن قانون اساسی.....

آبراهامیان، یرواند. 1391. ایران بین دو انقلاب. ترجمه: احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی. چاپ نوزدهم. (655، 656 و 662)

3- جان. ال. اسپوزیتو

او درباره اهمیت انقلاب اسلامی ایران می نویسد: «دوست و دشمن معتقدند انقلاب ایران، تأثیر بسزایی بر جهان اسلام و غرب داشته است. این انقلاب برای برخی، منبع الهام و انگیزش بوده است. ایران معاصر، نخستین دهه حیات خود را با دو هدف توأم "نهادینه کردن انقلاب" و "صدور آن" آغاز کرد. برای جمهوری نوپای اسلامی، قانونی اساسی فراهم آمد که یک حکومت پارلمانی انتخابی را تحت هدایت شرع اسلام پیش بینی کرده بود، و آیت الله خمینی مقام ولایت فقیه یافت. در نتیجه، تحول چشمگیری در جامعه ایران به وقوع پیوست. حکومت با در دست گرفتن بانکداری، بیمه، بازرگانی خارجی و صنایع عمده، بدهی های خارجی خود را پرداخت کرده، اقتصادی مستقل پدید آورده که کمتر به سرمایه گذاری و سرمایه خارجی وابسته است. انقلاب علاوه بر جنبه نظری، به صورت واقعی نیز تغییرات عمیقی در چشم انداز اجتماعی ایران پدید آورده است.

جمهوری اسلامی ایران، از نخستین روزهای حیات خود، هدف دوم (صدور انقلاب) را از ارکان سیاست خارجی خود اعلام کرده است. هیچ جنبه دیگری از انقلاب، این همه توجه رسانه ها را به خود جلب نکرده و ترس دولت های غربی و اسلامی را برنینگیخته است.. ..

مبالغه نکرده ایم اگر بگوییم بدفهمی ها مانع آن شده است که غربی ها، به ویژه ایالات متحده، خط مشی های ایران را عموماً و بازتاب جهانی انقلاب ایران را خصوصاً درک کنند. یکی از این بدفهمی های رایج این است که انقلاب ایران

شدیداً شیعی و فرقه گرایانه است. اما این انقلاب از نخستین روزها، آگاهانه تصویری جهان شمول از خود ارائه داده و آرزوهایی جهان شمول در سر داشته است. مثلاً آیت الله خمینی تأکید داشت که انقلاب در اصول اسلامی ریشه دارد و به همه مظلومان جهان - چه شیعه و چه غیرشیعه - تعلق دارد. از این رهگذر از فردای پیروزی انقلاب، بسیاری از دانشجویان مسلمان، بدون توجه به وابستگی های فرقه ای خود، ایران را به چشم سرمشق خود دیدند. بدین ترتیب، دانشجویان سنی "الجماعه الاسلامیه" در دانشگاه قاهره اعلام کردند انقلاب مردم ایران، شایسته بررسی عمیق است تا از آن درس بگیریم، انگیزه کسب کنیم و از این سرمشق، بهره مند شویم. در حقیقت، هم نخبگان و هم عموم مردم این انقلاب را به ندرت یک پیروزی شیعی می شمردند. بسیاری از مسلمانان، آن را غلبه اسلام بر نیروهای اهریمنی و پیروزی جهان سوم بر امپریالیسم امریکا می دانستند».

اسپوزیتو، جان. ال. 1388. انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن. ترجمه: محسن مدیر شانه چی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز). چاپ سوم. (325-327)

4- آنتونی بلک

بلک، یکی دیگر از نویسندگان و اندیشمندان غرب است که در یکی از کتاب هایش به نام تاریخ اندیشه سیاسی اسلام به پدیده انقلاب اسلامی و اهمیت و آثار آن اشاره کرده است:

«اندیشه سیاسی آیت الله خمینی، از نظر اصرار بر حکومت اشخاص یا شخص درست کار، با دیگر انقلابیون، کاملاً متفاوت و شاید در دنیای معاصر بی نظیر بود. عنوان حکومت اسلامی، عنوان فرعی ولایت فقیه را داشت. بی اعتبار ساختن شاه به عنوان مأمور امپریالیسم خارجی، وسیله ای برای تحقق این هدف بود.»

برای بسیاری، به خصوص پابرهنه ها، در ایران و بقیه جهان اسلام، استدلالات او مجاب کننده بود؛ زیرا حاکمانی که مشوق غربی سازی بودند و شریعت را نادیده می گرفتند، همان هایی بودند که بر فقرا تعدی می کردند. این نظر که تنها یک حکومت اسلامی می تواند برای اجرای شریعت، قابل اتکا باشد، مورد قبول بیدارگران سنی نیز بود. «(همان: 533 و 534)

بلک، آنتونی. 1385. تاریخ اندیشه سیاسی اسلام (از عصر پیامبر تا امروز). ترجمه: محمدحسین وقار. تهران: اطلاعات. چاپ سوم. (534-530)

5- پتر آوری و دیگران

پتر آوری، گاوین همبلی و چارلز ملویل در کتاب تاریخ ایران دوره پهلوی (از رضاشاه تا انقلاب اسلامی) به پدیده انقلاب اسلامی، توجه ویژه و از جایگاه و آثار آن یاد کردند. برخی از مطالبی که در این کتاب درباره انقلاب اسلامی آمده، از این قرار است:

« در انقلاب اسلامی سال 1357 دو جنبه مرتبط با هم، بیش از هر چیز دیگر چشمگیر بود: یکی وسعت مشارکت عموم مردم در نهضت که در دیگر انقلاب های سده بیستم میلادی سابقه نداشت؛ و دیگری غلبه ماهیت اسلامی آن از لحاظ ایدئولوژیکی، سازمان دهی و رهبری. عملاً هر شهر بزرگ و کوچک در ایران برضد رژیم پهلوی بسیج شد و زنان و مردان تقریباً تمام طبقات جامعه ایران، تمایل خود را به سرنگونی نظام پادشاهی و پایان دادن به آنچه سرکردگی خارجیان می پنداشتند، نشان دادند.

پترآوری و دیگران. 1388. تاریخ ایران دوره پهلوی (از رضاشاه تا انقلاب اسلامی) از مجموعه تاریخ کمبریج. ترجمه: مرتضی ثاقب فر. تهران: جامی. چاپ نخست. (340 - 343)

6- میشل فوکو

میشل فوکو، نامی آشنا برای بسیاری از ایرانیان است. «وی دو بار از 25 شهریور تا 2 مهر 1357 و 18 تا 24 آبان 1357 به ایران سفر کرد و در این سفرها، در تهران و قم و آبادان، با برخی از رهبران ملی و دینی و گروه های مختلفی که در انقلاب دست داشتند، ملاقات کرد. وی مجموعه مقالاتی را که در این دو سفر داشته، در کتابی به نام ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند؟ منتشر کرده است».

میشل فوکو در این کتاب از انقلاب اسلامی ایران به نیکی و عظمت یاد کرده است: «نفی رژیم پهلوی در ایران، پدیده ای است عظیم و اجتماعی، اما نه به این معنا که سردرگم و عاطفی باشد، یا به خود چندان آگاهی نداشته باشد، به عکس شیوه انتشارش بسیار کارآمد است - از اعتصاب ها به تظاهرات، از بازارها به دانشگاه ها، از تراکت ها به پیشگویی ها - و واسطه انتشارش هم بازاریان و روحانیان و کارگران و استادان و دانشجویان اند. در نظام سیاسی، این جنبش نه نظیری دارد و نه جلوه و تظاهری».

عجیب است که می بینیم این کشور پهناور که جمعیتش در حاشیه دو کویر بزرگ پراکنده است، این کشوری که سانسور و نبود آزادی عمومی، بند بر پایش نهاده است، با همه اینها، چنین وحدت شگفت انگیزی از خود نشان دهد و خواستی جمعی و کاملاً یگانه برای انقلابی بزرگ در آن شکل بگیرد. پزشک تهرانی و ملای شهرستانی، کارگر نفت و کارمند پُست و دانشجوی چادری همه یک اعتراض و یک خواست دارند. در این خواست چیزی هست که مایه تشویش خاطر است. همیشه صحبت از یک چیز است؛ یک چیز واحد و بسیار مشخص: شاه باید برود.

از اینجاست که نقش شخصیت آیت الله خمینی به افسانه پهلوی می زند. امروز هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی، حتی به پشتیبانی همه رسانه های کشورش نمی تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین شخصی و چنین نیرومند دارند. خمینی چیزی نمی گوید، چیزی جز نه؛ نه به شاه، به رژیم و به وابستگی. خمینی آدم سیاسی نیست: حزبی به نام حزب خمینی و دولتی به نام دولت خمینی وجود ندارد. این یک دندگی ای که هیچ چیز سدّ راهش نمی شود در پی چیست؟ پایان وابستگی ای که در آن، پشت سر امریکایی ها می توان نوعی هماهنگی جهانی و "نظم جهانی" را دید؟ پایان وابستگی ای که دیکتاتوری، ابزار مستقیم آن است، اما بازی سیاست هم می تواند عامل غیرمستقیم آن باشد؛ و جنبش او جنبشی بود که هدفش، هم رهایی از استیلای خارجی و هم نجات از سیاست داخلی بود».

فوکو، میشل. 1386. ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند؟. ترجمه: حسین معصومی همدانی. تهران: هرمس. چاپ چهارم. (7،8،63،65)

نظر برخی از اندیشمندان مسلمان درباره انقلاب اسلامی ایران

شیخ عبدالعزیز عوده، رهبر معنوی جهاد اسلامی فلسطین: «انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام راحل و حضرت آیه... خامنه‌ای، امید از بین رفته را در دل مسلمانان احیاء کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دیگر، مسلمانان جهان یتیم نیستند و نیروی عظیمی پدیدار شد که از آنها حمایت کرده و پیوسته پشتیبان و حامی حقیقی آنها بوده است. انقلاب اسلامی ایران این امید را در دل ها زنده ساخت که مسلمین می‌توانند بار دیگر پیروز شوند و عظمت و مجد دیرینه خود را باز یابند و دشمنانشان را شکست دهند روزنامه همشهری مورخ 1372/12/17.

دکتر فتحی شقاقی، رهبر پیشین سازمان جهاد اسلامی فلسطین: انتفاضه یکی از ثمرات بیداری اسلامی است که امام خمینی (ره) در منطقه و به ویژه در فلسطین به وجود آورد. بنابراین، انتفاضه اسلامی، در سطوح مردمی به سوی افق اسلامی و شعارهای اسلامی پیش می‌رود، پس بر ماست که در مبارزه برای رهایی از تسلط و اشغالگری صهیونیستها از تمام راه‌حل‌های دیگر پرهیز کرده و با توجه به اصولی که امام در مبارزه با اسرائیل ارائه کرده‌اند با دشمنان اسلام و مسلمانان مبارزه کنیم

مرتضایی، علی‌اکبر، امام خمینی در حدیث دیگران، نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران، سال 1378 ص 31.

حجت الاسلام صمدی از افغانستان می گوید: «وقتی در شب 22 بهمن رادیو اسرائیل گفت: زلزله ای در ایران ایجاد شد که اسرائیل را در خطر انداخت ما را بسیار شاد کرد، هنوز بامداد بیست و دوم بهمن نشده بود که مردم افغانستان قیام مسلحانه کردند و از آن روز تا سه ماه بعد قدرت کمونیسم را در قسمتهایی از افغانستان درهم شکستند... وقتی شهید حاجی محمدعمر با شمشیر به کمونیستها حمله می کرد به زبان پشتو گفته بود: «شما فکر کرده بودید که خمینی کسی و یاری ندارد».

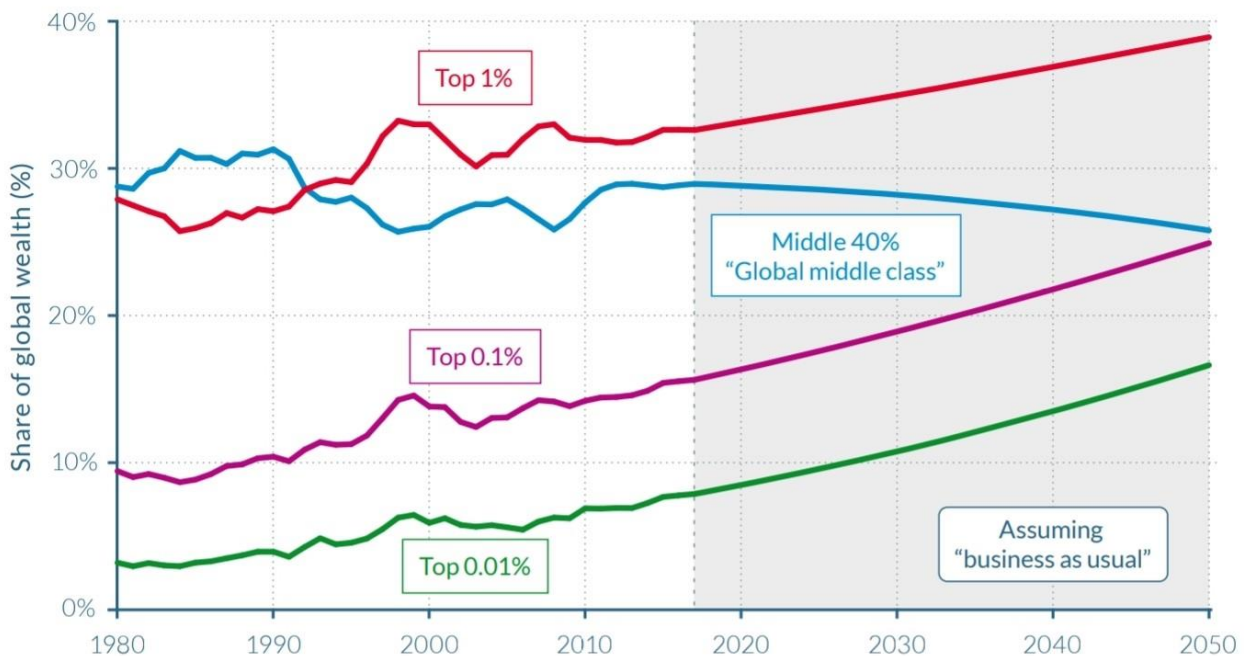
منبع: مجموعه مقالات چهارمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)، ص 213.

پیوست 4

پیش بینی روند افزایشی فاصله طبقاتی در کل جهان تا سال ۲۰۵۰

Figure 4.1.3

Global wealth inequality, 1980–2050: China, Europe and the US



Source: WID.world (2017). See wir2018.wid.world for data series and notes.

In 2016, in a world represented by China, Europe and the US, the global wealth share of the Top 1% was 33%. Under "Business as usual", the Top 1% global wealth share would reach 39% by 2050, while the Top 0.1% wealth owners would own nearly as much wealth (26%) as the middle class (27%). The evolution of global wealth groups from 1987 to 2017 is represented by China, Europe and the US. Values are net of inflation.

منبع: گزارش جهانی نابرابری سال 2018 - <https://wir2018.wid.world/files/download/wir2018-summary-english.pdf>

ضریب جینی

ضریب جینی یک واحد اندازه گیری است که برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در یک جامعه آماری استفاده می شود. این ضریب با نسبتی تعریف می شود که ارزشی بین صفر و یک دارد.

هر چقدر ضریب جینی نزدیک به عدد صفر باشد، برابری بیشتر در توزیع درآمد را نشان می دهد و بالعکس هر چقدر ضریب جینی نزدیک به عدد یک باشد، توزیع نابرابر درآمد را مشخص می کند.

اگر ضریب جینی مساوی با عدد صفر باشد یعنی همه درآمد و ثروت یکسان دارند (برابری مطلق) و اگر مساوی با عدد یک باشد یعنی نابرابری مطلق به گونه ای که ثروت تنها در دست یک نفر است و مابقی هیچ درآمدی ندارد.

برای فهم بهتر ضریب جینی، آن را به صورت درصد نیز بیان می کنند.

معایب ضریب جینی:

ضریب جینی، نابرابری درآمد را اندازه گیری می کند اما نابرابری فرصت ها را اندازه گیری نمی کند.

در ضمن ممکن است دو کشور، ضریب جینی یکسانی داشته باشند اما یکی ثروتمندتر از دیگری باشد؛ بنابراین ضریب جینی سطح رفاه یک جامعه را بسنجد بلکه میزان عمومیت رفاه را در یک جامعه مشخص میکند.

مزایای ضریب جینی:

ضریب جینی را به راحتی می توان با سراسر کشور مقایسه کرد و تفسیر آن نیز آسان است.

از ضریب جینی می توان برای نشان دادن چگونگی توزیع درآمد در داخل کشور در طی یک دوره از زمان استفاده کرد. در نتیجه این امکان وجود دارد تا مشاهده شود که آیا نابرابری در حال افزایش است یا کاهش؟

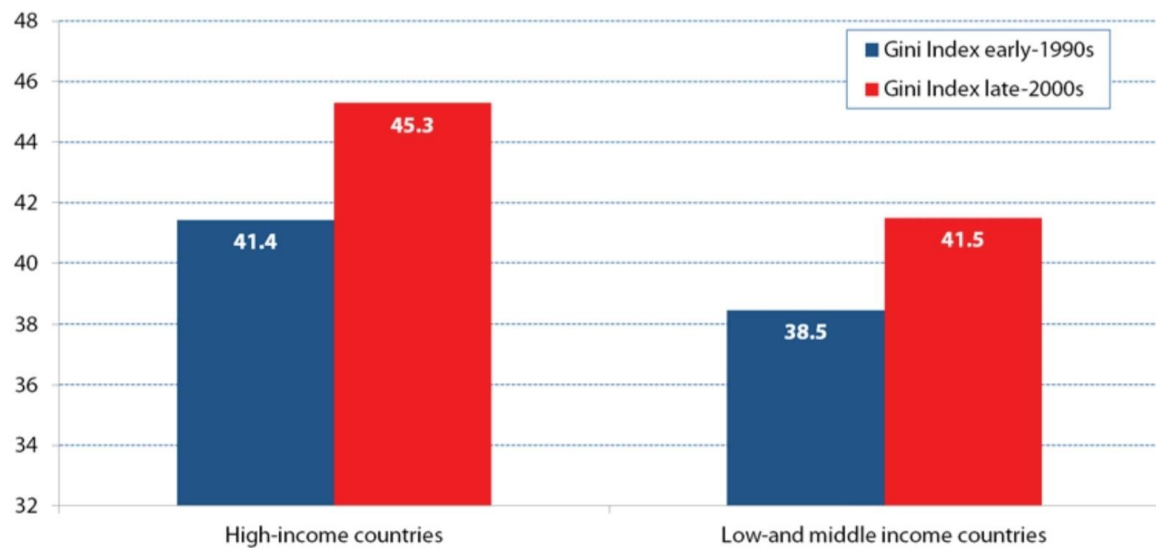
بررسی روند تغییرات ضریب جینی میتواند شاخص خوبی برای مقایسه کشورهای مختلف دنیا در رسیدن به آرمان عدالت و کاهش فاصله طبقاتی در جوامع باشد.

مقایسه روند تغییرات ضریب جینی در کشورهای مختلف دنیا

یکی از راه های تشخیص میزان تحقق عدالت اجتماعی در هر کشور، بررسی مقایسه ای ضریب جینی در کشورها است.

به عنوان مثال، ضریب جینی درآمد خانوار در کشورهای توسعه یافته از 41.4 در دهه 1990 به 45.3 در دهه ابتدایی قرن بیستم افزایش یافته و ضریب جینی در کشورهای در حال توسعه از 38.5 به 41.5 افزایش پیدا کرده است که این نشان از رشد بی عدالتی در این بیست سال و بالاتر بودن اختلاف طبقاتی در کشورهای توسعه یافته است. (تصویر شماره 1)

Figure 3.1. Gini index of household income inequality by development status (early 1990s and late 2000s)



Source: UNDP calculations using data from Solt (2009).

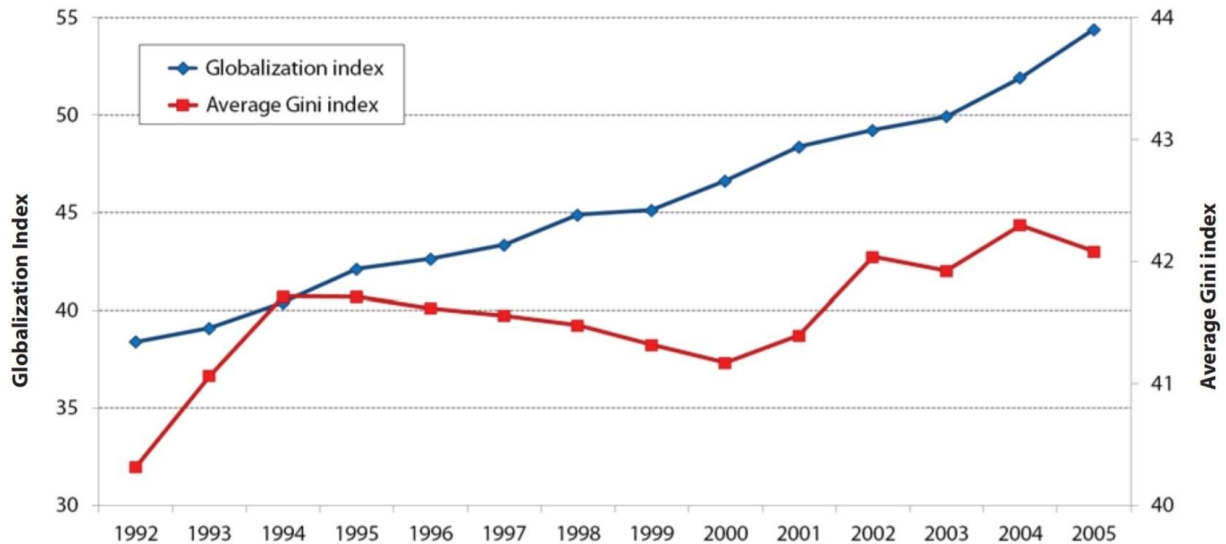
(تصویر شماره 1)

روند تغییرات ضریب جینی بر اساس میزان توسعه یافتگی کشورها (نمودار سمت چپ کشورهای توسعه یافته و نمودار سمت راست کشورهای در حال توسعه)

از سال 1990 تا 2000 (نمودار آبی رنگ) و از سال 2000 تا 2010 (نمودار قرمز رنگ)

آمارها نشان میدهند که با حرکت به سمت جهانی شدن و توسعه یافتگی، اخلاف طبقاتی و بی عدالتی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. (تصویرهای شماره 2-5)

Figure 3.6. Income inequality and globalization across the world, 1992–2005

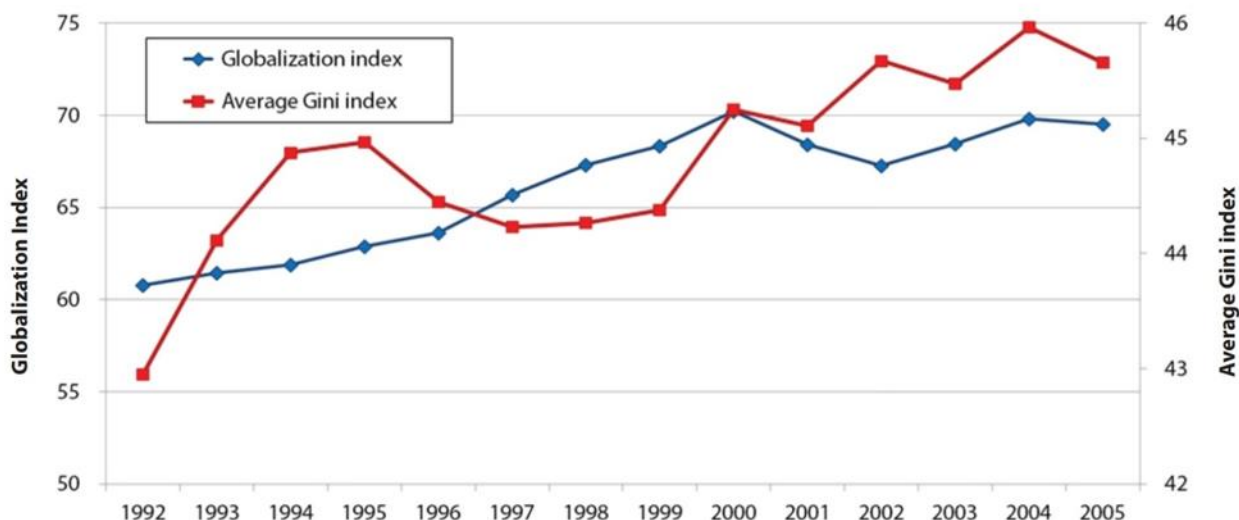


Source: UNDP calculations using data from Solt (2009).

(تصویر شماره 2)

رشد تغییرات ضریب جینی (قرمز) و شاخص جهانی شدن (آبی) در همه کشورهای جهان از سال 1992 تا 2005

Figure 3.8. Income inequality and globalization in high-income (developed) countries, 1992-2005

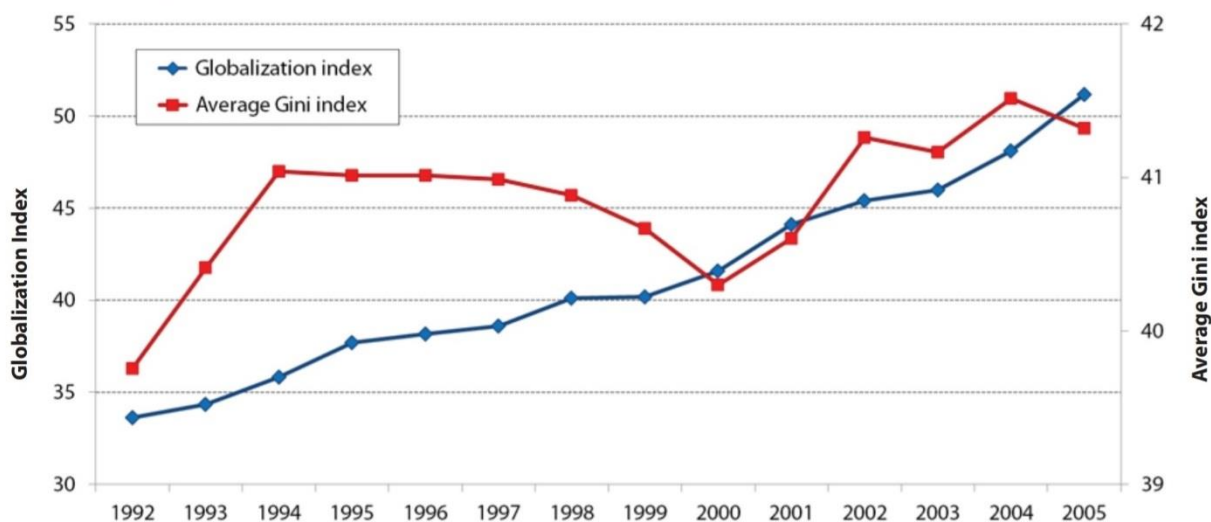


Source: UNDP calculations using data from Solt (2009).

تصویر شماره 3)

روند تغییرات ضریب جینی (قرمز) و شاخص جهانی شدن (آبی) در کشورهای توسعه یافته از سال 1992 تا 2005

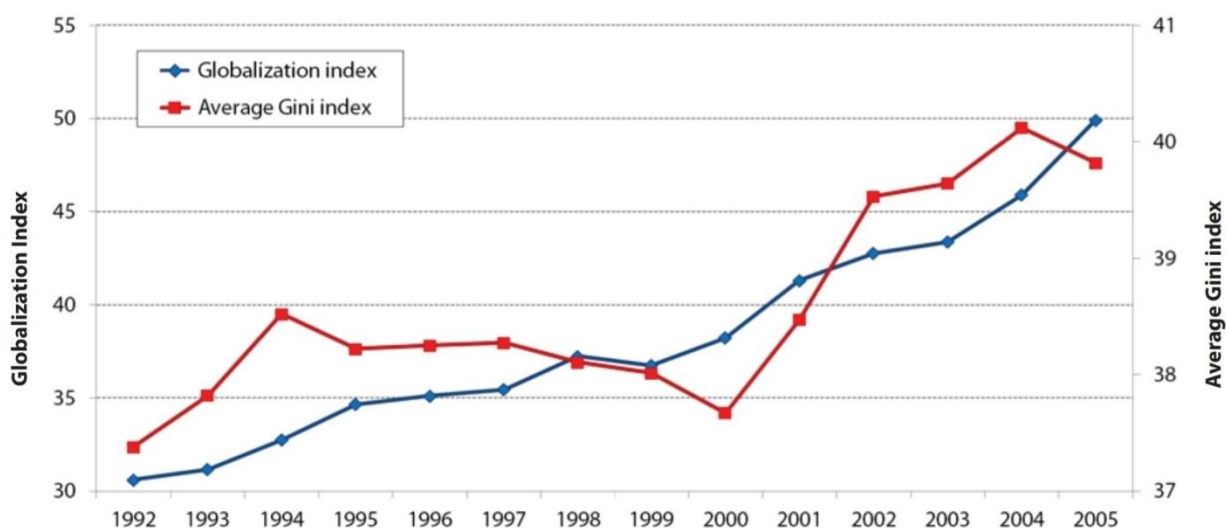
Figure 3.7. Income inequality and globalization across developing countries, 1992-2005



Source: UNDP calculations using data from Solt (2009).

تصویر شماره 4) روند تغییرات ضریب جینی (قرمز) و شاخص جهانی شدن (آبی) در کشورهای در حال توسعه از سال 1992 تا 2005

Figure 3.9. Income inequality and globalization in the Asia & Pacific region, 1992-2005



Source: UNDP calculations based on Solt (2009).

(تصویر شماره 5)

روند تغییرات ضریب جینی (قرمز) و شاخص جهانی شدن (آبی) در کشورهای آسیا و اقیانوسیه از سال 1992 تا 2005

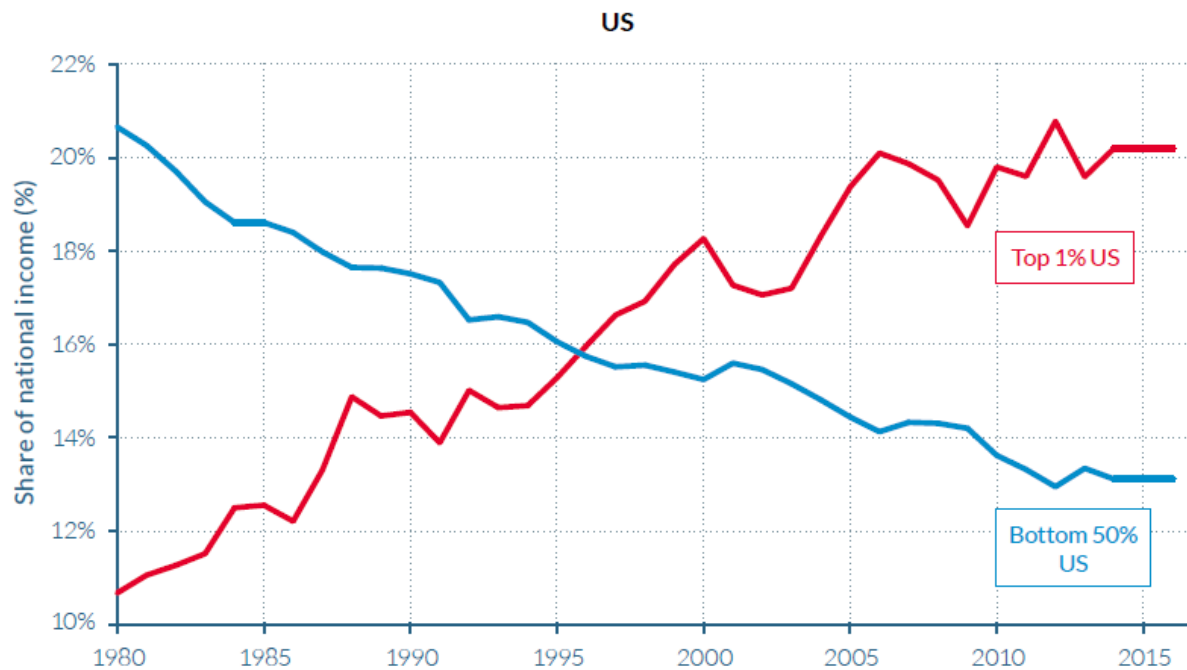
روند تغییرات ضریب جینی در برخی از کشورهای دنیا

آمریکا



Figure E3

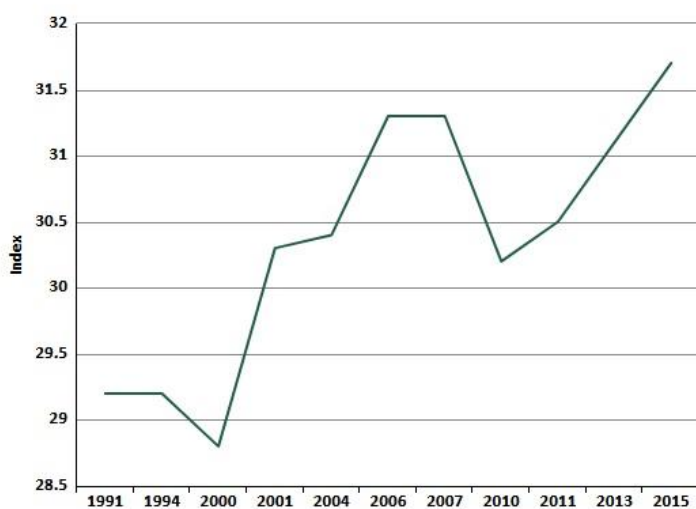
Top 1% vs. Bottom 50% national income shares in the US and Western Europe, 1980–2016:
Diverging income inequality trajectories



Source: WID.world (2017). See [wir2018.wid.world](#) for data series and notes.

In 2016, 12% of national income was received by the top 1% in Western Europe, compared to 20% in the United States. In 1980, 10% of national income was received by the top 1% in Western Europe, compared to 11% in the United States.

آلمان



[View source's information](#)

DATE	VALUE	CHANGE, %
2015	31.70	1.93 %
2013	31.10	1.97 %
2011	30.50	0.99 %
2010	30.20	-3.51 %
2007	31.30	0.00 %
2006	31.30	2.96 %
2004	30.40	0.33 %
2001	30.30	5.21 %
2000	28.80	-1.37 %
1994	29.20	0.00 %
1991	29.20	

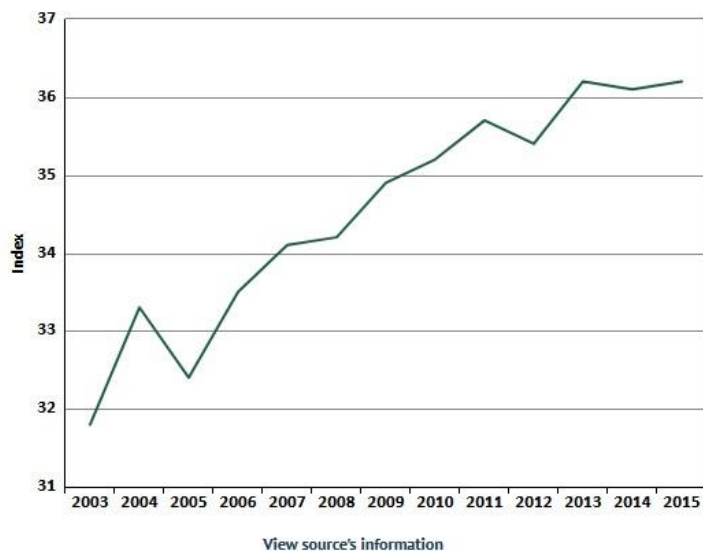
فرانسه



[View source's information](#)

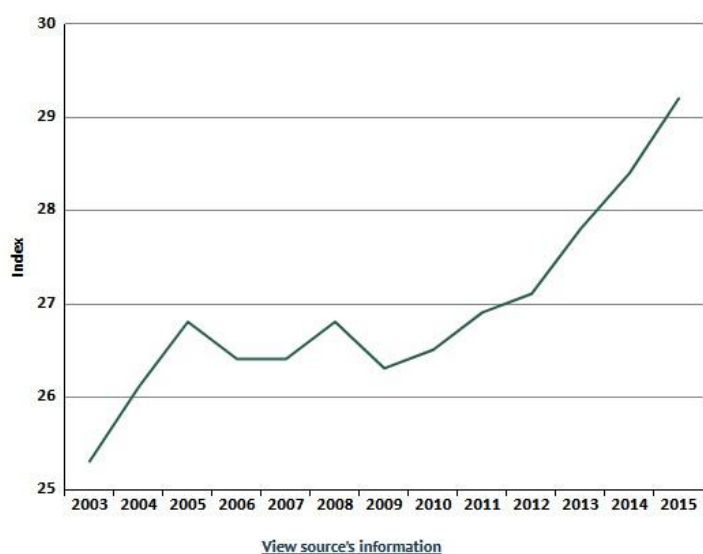
DATE	VALUE	CHANGE, %
2015	32.70	1.24 %
2014	32.30	-0.62 %
2013	32.50	-1.81 %
2012	33.10	-0.60 %
2011	33.30	-1.19 %
2010	33.70	3.06 %
2009	32.70	-0.91 %
2008	33.00	1.85 %
2007	32.40	9.09 %
2006	29.70	-0.34 %
2005	29.80	-2.61 %
2004	30.60	

اسپانیا



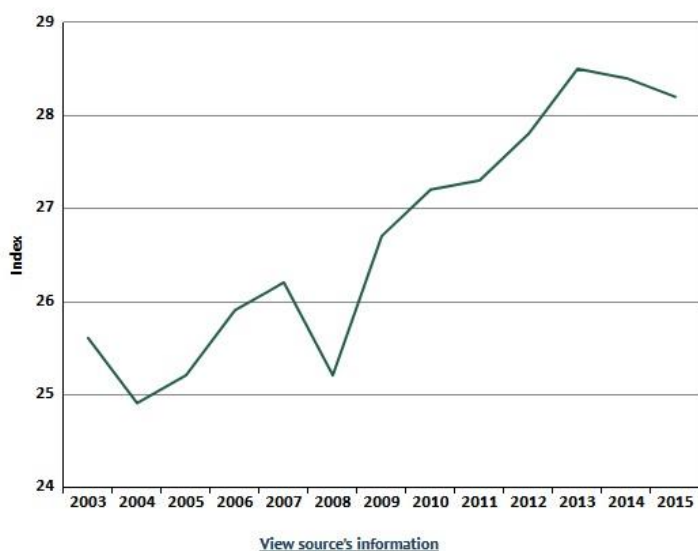
DATE	VALUE	CHANGE, %
2015	36.20	0.28 %
2014	36.10	-0.28 %
2013	36.20	2.26 %
2012	35.40	-0.84 %
2011	35.70	1.42 %
2010	35.20	0.86 %
2009	34.90	2.05 %
2008	34.20	0.29 %
2007	34.10	1.79 %
2006	33.50	3.40 %
2005	32.40	-2.70 %
2004	33.30	

سوئد



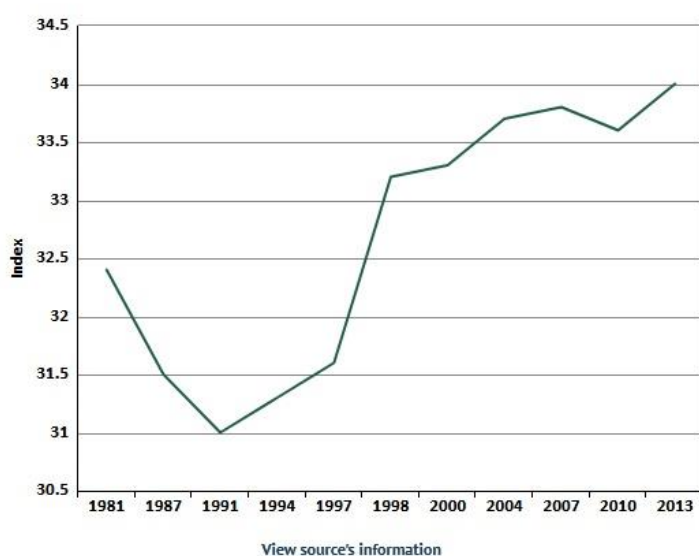
DATE	VALUE	CHANGE, %
2015	29.20	2.82 %
2014	28.40	2.16 %
2013	27.80	2.58 %
2012	27.10	0.74 %
2011	26.90	1.51 %
2010	26.50	0.76 %
2009	26.30	-1.87 %
2008	26.80	1.52 %
2007	26.40	0.00 %
2006	26.40	-1.49 %
2005	26.80	2.68 %
2004	26.10	

دانمارک



DATE	VALUE	CHANGE, %
2015	28.20	-0.70 %
2014	28.40	-0.35 %
2013	28.50	2.52 %
2012	27.80	1.83 %
2011	27.30	0.37 %
2010	27.20	1.87 %
2009	26.70	5.95 %
2008	25.20	-3.82 %
2007	26.20	1.16 %
2006	25.90	2.78 %
2005	25.20	1.20 %
2004	24.90	

کانادا



DATE	VALUE	CHANGE, %
2013	34.00	1.19 %
2010	33.60	-0.59 %
2007	33.80	0.30 %
2004	33.70	1.20 %
2000	33.30	0.30 %
1998	33.20	5.06 %
1997	31.60	0.96 %
1994	31.30	0.97 %
1991	31.00	-1.59 %
1987	31.50	-2.78 %
1981	32.40	

بررسی روند تغییرات ضریب جینی در کشور ایران

همانطور که مشاهده شد، ضریب جینی در اکثر کشورها سیر صعودی داشته که نشانگر افزایش فاصله طبقاتی و دور شدن از عدالت اجتماعی است. اما در مقابل، جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی، توانسته است ضریب جینی را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. (تصویر شماره 13)



[View source's information](#)